

دوران دشوار و قاطعی در نبرد انقلاب و ضد انقلاب آغاز میشود

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۱۸
بکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

روند دشوار و طولانی «که بر که» در انقلاب ما

تا این روند به نتیجه موثر نرسد، انقلاب تحکیم نمیشود و نوسازی جامعه بادشواریهای جدی روبرو است

امام بندستی متذکر شد که مبارزه با مفسدین و پهلوی پسران انقلاب آسانتر بود. آری انقلاب رهائی بخش (ملی) و دمکراتیک (خلفی) ما وارد دوران بسیار دشواری شده است، دوران تأمین نهائی «که بر که» یا چه کسی بر چه کسی غلبه خواهد کرد!

دو صف مبارزه، یکی به رهبری امام خمینی، خواستار ریشه کن کردن نفوذ عسکانه امپریالیسم در ایران و استقرار غیر مستقیم دارند.

ولی در واقع تیشه به ریشه اسلام میزدند (نموداری از دشواری روند طولانی «که بر که» است). امام با خشم تمام دستها را به آستانه چوبین درگاه کوبیده و گفت که این افراد هم اکنون نیز با آمریکا ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم دارند.

سخن مهم امام خمینی در جمعه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۸ در مقابل گروههای امداد اجتماعی، دربارہ دشواری مبارزه با منافقین، با مسلمانانی از نوع ابوسفیان و معاویه (که در ظاهر پیشنهاد هم داده اند و زهد علی را هم قبول نداشته اند).

اتحاد شوروی با هر گونه مجازات اقتصادی علیه ایران مخالف است

بنابگزارش خبرگزاریهای رويتر و آسوشيتدپرس از واشنگتن مقامهای آمریکایی در نظر دارند مسئله مجازات اقتصادی علیه ایران را در سازمان ملل متحد مطرح سازند و از این سازمان بخواهند که ایران را به علت «گروگانگیری» مورد مجازاتهای اقتصادی قرار دهد. اتحاد شوروی در رابطه با این خبر رسماً اعلام نموده که اتحاد شوروی با هر گونه مجازات اقتصادی علیه ایران از جانب هر سازمانی که باشد، مخالف است. با اعلام این نظر از جانب اتحاد شوروی و با توجه به اینکه اتحاد شوروی یکی از اعضای دائمی شورای امنیت است، درخشش کردن پیشنهاد «ریکاد» مورد مجازات اقتصادی علیه ایران، اتحاد شوروی میتواند نقش موثری داشته باشد.

حزب توده ایران آماده کمک به افشای جنایات و مظالم امپریالیسم امریکا در ایران است

تصمیم وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به تشکیل هیئتی مرکب از شخصیتهای ذیصلاح خارجی و ایرانی برای بررسی جنایات و مظالم دولت آمریکا در ایران، از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تاکنون، تصمیم بجائی است، که با دستور امام میتوان امیدوار بود، بنحوی تدارک و اجرا گردد که حاصل آن در افشاء سرشت و سیاست تجاوزکارانه، غارتگرانه و ضد بشری امپریالیسم امریکا و رژیم سرسپرده پهلوی، همه جانبه و مؤثر باشد. در اعلامیه وزارت خارجه که اهداف این تصمیم و نیز نحوه تشکیل هیئت بررسی را بیان داشته، از جمله تصریح شده است که این اقدام با جلب همکاری همه جانبه تمام گروههای ضداپریالیستی و صهیونیستی ایران و جهان انجام خواهد گرفت. حزب توده ایران بدین وسیله اعلام میکند که آماده است در این همکاری شرکت فعال کند. حزب توده ایران قدیمی ترین حزب سیاسی ایران است که در تمام ۳۸ سال موجودیت خود، همواره بر ضد امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش در ایران، با قاطعیت و آشتی ناپذیری، بخاطر کسب و تأمین استقلال کشور مبارزه کرده و در این راه در معرض فشار و کین بهیمی قرار گرفته، صدمات و تلفات سنگین متحمل شده و قربانیان فراوان داده است. مبارزات پیگیر و خونین حزب توده ایران بر ضد فاشیسم، بر ضد امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم امریکا بر ضد صهیونیسم، بر ضد رژیم سرسپرده سلطنتی، بر ضد تمام مواضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا در ایران، در راه ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد که در آن منافع و حقوق زحمتکشان تأمین شده باشد، باعث گردیده که حزب توده ایران نه فقط به مقیاس کشور، بلکه به مقیاس جهانی شناخته شود و معروفیت کسب کند. لذا کمک حزب توده ایران در تدارک و اجرای تصمیم وزارت خارجه به افشاء جنایات امپریالیسم امریکا و رژیم شاه مخلوع در ایران، میتواند کمک موثری باشد.

بازار شهر تبریز برای تأکید بر خواست انحلال حزب خلق مسلمان، ۲ روز تعطیل است

سیصد هزار نفر از مردم اردبیل طی تظاهرات باشکوهی خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند

شش هزار نفر از اعضای حزب جمهوری خلق مسلمان در اردبیل از این حزب کناره گیری کردند



دیرور - نخستین روز تعطیل - بازار تبریز یکپارچه تعطیل بود.

بمناسبت راه پیمائی امروز علیه «خبرگزاریهای صهیونیستی» آتش مسمومی که خبرگزاریهای امپریالیستی برای مردم جهان می‌پزند

آلمانی بود، متولد شد. اکنون جهان به اصطلاح آزاد و رسانه‌های گروهی در بسیاری از کشورهای «جهان سوم»، هر لحظه گوش به زنگ هستند تا دستگاههای تلکس، اخباری را که از چهار گوشه جهان توسط زبده ترین و آموزش دیده ترین خبرنگاران به مراکز خبرگزاریهای فرستاده میشود و آنجا از زیر کنترل دها مدیر و سردبیر می-گذرد، دریافت کنند. در حال حاضر ۴ خبرگزاری بزرگ جهان سرمایه داری - رويتر (انگلیسی) آسوشيتدپرس و یونایتدپرس (آمریکا) و فرانس پرس (فرانس) برای همه مطبوعات جهان (غیر از کشورهای های سوسیالیستی)، «خوراک» تهیه می کنند.

خبرگزاریهای بزرگ غرب متعلق به محافظ امپریالیستی هستند و همه اخبار را از غربال منافع سرمایه داری میگذرانند.

خبرگزاریهای صهیونیستی، بخشی از خبرگزاریهای امپریالیستی هستند.

بارون «رویتز» یک ثروتمند انگلیسی، اولین تراست خبری جهان را بنا گذاشت. بدنبال او، تراستهای دیگر خبری، که سر نخشان در جیب سرمایه داران آمریکائی و فرانسوی و

تظاهرات ضداپریالیستی ادامه دارد:

مردم از سراسر ایران برای محکوم کردن امریکا به تهران می آیند

در ۸ صفحه امروز:

حزب ایران مبلغ و مروج افکار

شاپور بختیار

حکومت نظامی

نقد فیلم - هر که در مبارزه با امریکا تفرقه بیافکند، جاسوس امریکاست - سخنان حجت الاسلام موسوی جوینی - صفحه ۸

«او» کیست؟

مردم میخواهند بدانند آن مقام مملکتی که به گفته رئیس دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان در رأس مهم ترین ارگان انقلابی ایران، دستور آزادی میراشرافی را داده بود، کیست؟

اتحاد شوروی امریکارا از اقدام نظامی علیه ایران بر حذر داشت

انقلاب ایران ازدید - گاه امپریالیسم امریکا

صدها هزار نفر از مردم مشهد: تجزیة رهبری، توطئه امریکاست

استقرار موشکهای هسته ای از جانب امپریالیسم امریکا در خاک کشورهای اروپای باختری، مسابقه تسلیحاتی و خطر جنگ را تشدید میکند

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اتحاد شوروی امریکار از اقدام نظامی علیه ایران بر حذر داشت

روزنامه «پراودا»، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در شماره ۸ دسامبر (۱۸ آذر) هشاداد که ارتجاعی-ترین محافل آمریکائی، کابینه کارتر را به سوی یک «اجراجوی خطی ناک» در ایران سوق میدهد. روزنامه «پراودا» هشاداد میهد که هرگونه اقدام نظامی از جانب ایالات متحده آمریکا در ایران می تواند بی اساس و ناکارآمدی داشته باشد.

در تفسیر هفتگی روزنامه پراودا در مورد اوضاع بین المللی آمده است که سختگویی وزارت امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که دولت آمریکا به شاه مخلوع برای یافتن محل امنی جهت اقامت دائمی کمک میکند. در این تفسیر، به نقل از روزنامه اومانیه، ارگان حزب کمونیست فرانسه، خاطر نشان شده است که دولت آمریکا علاوه بر مسدود کردن ذخایر بولی ایران در بانکهای آمریکا و شعب آنها، سیاست محاصره اقتصادی علیه ایران را در پیش گرفته و تلاش دارد متفقین خود را هم به تبعیت از چنین سیاستی جلب نماید. صدور غله و مواد خوراکی از آمریکا به ایران قطع شده و کلاهائی را که سازمانهای ایرانی سفارش داده و پول آنها را

دوران دشوار و فاطمی در نبرد انقلاب و ضد انقلاب آغاز میشود...

بقیه از صفحه ۱
نظام اقتصادی - اجتماعی - اجتماعی بود خلق است. و مدتی که آنها به رهبری برخی روحانیون و رجال بانفوذ، از همان مرحله اول انقلاب علیه شاه، مخالفان حذقی سلطنت بودند با ادامه اقتصاد سرمایه داری و حفظ روابط با غرب با امریالیستی موافقت. در این مبارزه با سرمایه داری و پیروان راستینش جبهه خلقی را تشکیل میدهند و صف مقابل او جبهه بورژوازی را. پیروزی صف بورژوازی، ساز و ساده یعنی بازگشت به عقب، یعنی زائل شدن همه نتایج عالی انقلاب بزرگما. اکنون امریالیستی کارتر، که هر روز صبح پرورنده بزرگی بنام «ایران» را مطالعه میکند (این تصویر در شماره ۲۶ نوامبر مجله امریکائی «تایم» منتشر شده است) فکری که در این صف ضد انقلاب ایران، مانع گوئیم این آقایان که بازاری امریالیستی را اقامت می کنند، مانند باند پهلوی عناصر مزدور هستند. شاید برخی از آنها از حد معینی اعتدال به منافع ایران (در چارچوب ادراک سرمایه داری خود) برخوردار باشند. ولی آنها پس از سرمایه داری وابسته که خاندان پهلوی بر رأس آن قرار داشت، نزدیکترین و طبعی ترین متحدان امریالیسم جهان نخواهند. اگر آنها پیروز شوند، دیگر احیاء مجدد مناسبات سرمایه داری وابسته، تجدید مساجد دولت طاغوتی، تجدید بلامانع است. در روزی که امریالیسم احساس کند این آقایان عرضه دولتمداری را ندارند، به آسانی و بوسیله یک کودتا و بقول برخیها بدست «تیمسار اسلام پرست» ها، که با پشتیبانی عوام فریبهای ضابطه الحزب واد بر سر کار آورده میشود، خود را از اثر یک حکومت «شلوول» و لومعه، آسوده میکند و همه چیز را به مجردی شوم گذشته بازمیگرداند. تمام تاکتیک امروزی کارتر و کمیسوهای «ایران» در واشنگتن و لندن متوجه اجرای این نقشه است. حوادث روزهای اخیر، بر ملا شدن ماهیت «رجالی» مانند نژدی، یزدانی و عالمی مانند مقدم و آغای، رویسادهای تیریز، نمایهای گوناگون روزهای اخیر در تیریز، قم، بندر عباس و نقاط دیگر، همه همه جلوه های این جریان «که بر» است. ضد انقلاب امریالیستی - طاغوتی، که خود را به سایه کشیده، نفس را در سینه حبس کرده، منتظر است. نمایش روز پنجشنبه در تیریز، موجی از نشاط در قلوب تارک شد انقلابیون ایجاد کرد و آنها را امیدوار ساخته است که روز انتقام ستانی از انقلابیون نزدیک است.

تظاهرات ضد امریکائی ادامه دارد

فیروزکوه با درست داشتن پلاکاردی که بر روی آن نوشته بود، «ما پشتیبانی قاطع خود را از اقدام شجاعانه دانشجویان پیرو خط امام در لانه جاسوسی آمریکا اعلام می داریم» به جمع آنها پیوستند. مردم فیروزکوه شمار می دادند. - آمریکا نابود است، خمینی پیروز است در این موقع یکی از روحانیون سمنان از پشت بلندگو قلمنامه تظاهرات کنندگان را خواند، کلمی آن ضمن اعلام پشتیبانی از دانشجویان پیرو خط امام و قانون اساسی جمهوری اسلامی، هرگونه تسمیف رهبری انقلاب را محکوم شده بود. سپس گروهی از دانش آموزان و دبیران دبیرستان دخترانه فرزانه به جلوی جاسوسخانه آمدند. آنها شمار می دادند. - خمینی، خمینی رهبر ملت ماست - امریالیسم خونخوار، همیشه دشمن ماست. - دروغ بر خمینی، یاور مستحقین. - مرگ بر آمریکا، حامی مستکبرین - آمریکا، آمریکا، مرگ به تیر تگنو - خون شهیدان ما، می چکد از چنگ تگنو

آش مسمومی که خبر گزاریهای امریالیستی برای...

تحریر شده از کشورهای دیگر، بویژه کشورهای سوسیالیستی، به ایران به نفاق دامن می زنند. متأسفانه از آنجا که مطبوعات بزرگ ما تنها و تنها از این چهار خبرگزاری بزرگ امریالیستی «خوراک» می گیرند، خواه ناخواه خود را در مسیر حوای میگردانند که از مراکز این خبرگزاریها بجانب ایران هدایت میشود. واقعیت مطبوعات خبری کشورهای سرمایه داری و با اصطلاح «جهان آزاد» را در این نکته بسنجید که سخنان امام خمینی خطاب به نماینده پاپ بطور کامل در این مطبوعات مسنور شد و نشریات مسنور شده «آزاد» آلمان فدرال حتی بصورت آکسپ حاضر نشدند سخنان منطقی و سرشار از صراحت رهبر انقلاب ایران را مسنوس کنند. مطبوعات آمریکا و اروپای غربی زنجیره محکم بهم پیوسته است که قلابش بر حلقه یولادین انصارات امریالیستی بسته شده است و این حقیقت حتی از زبان معدودی خبرنگاران رسانه های گروهی غرب جسته و گریخته جاری شده است. «لوندبرگ» روزنامه نویسنده امریکائی، در اثر خود بنام «دشمنت خوارانه امریکائی» می نویسد: «مسئله آزادی مطبوعات در ممالک متحده آمریکا به شوخی بیشتر شبیه است تا واقعیت. هرگاه یکی از نشریات «آزاد» که ظاهراً در کف حمایت قانون آزادی مطبوعات نیز قرار دارند، بخواهد برخلاف منافع ثروتمندان و سرمایه داران طلبی بشکارد، بلافاصله از دور خارج می شود.» یکی از بهترین شیوه های خبرگزاریها در حال حاضر و ازگون نشان دادن دوستان و دشمنان ایران در مراسم جهان است. این مایه تعجب نیست که امریالیست ها خبرهای ایران علیه کشورهای دوست ما مخا به می کنند، چه از کوزه همان برون تراود که در پوست است. اما تعجب از اینجاست که روزنامه های ما، که خود گزارش های متعدد درباره تسلط سیا و سرمایه داران بزرگ بر خبرگزاریها چاپ می کنند و با حروف درشت، از قول امام از تیرنگ این خبرگزاریها علیه امام و انقلاب پرده بر میدارند، اخبار این خبرگزاریها را در مورد کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی «حجت» می گیرند و آنها را با حروف درشت ارائه می دهند.

بازار تبریز ۲ روز تعطیل است

بازار تبریز، امروز و دیروز به دنبال خواست بازاربان این شهر مبنی بر لزوم انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان تعطیل بود. بازاربان تبریز دریامی که به همین مناسبت خطاب به حضرت آیت الله شریعتمداری فرستادند. تأکید کرده اند که بیست روز پیش نیز حدود ۳ هزار تکرار از بازاربان تبریز در مورد لزوم انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان به دفتر حضرت آیت الله شریعتمداری ارسال شده بود. پیام بازاربان تبریز به دنبال اعلامیه حضرت آیت الله شریعتمداری که گفته است حزب خلق مسلمان را مردم تبریز و اعضا آن باید منحل کنند، صادر شده است. به دنبال تعطیل بازار تبریز، دانشجویان مسلمان دانشگاه این شهر نیز به منظور اعتراض به توطئه های امریالیسم آمریکا علیه امام خمینی و حضرت آیت الله شریعتمداری در تبریز، شرکت داشتند، با دادن شماره های «آمریکا نابود است»، سخنان نمایندگانشان را تأکید کردند.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

حزب کمونیست فرانسه خواهان پیمان امنیت متقابل فرانسه و شوروی است

رژر مارش دپیر کل حزب کمونیست فرانسه در نامه ای برای والری ژسکادستن رئیس جمهوری این کشور از وی خواسته است که بیدرتک گانهایی برای انعقاد پیمان امنیت متقابل فرانسه و شوروی بر دارد. در نامه به ژسکادستن آمده است که شورای ناتو دربر وکل طرحی خطرناکی را مورد بحث قرار میدهد که هدف آن افزایش مسأله تسلطی در اروپا است و استقرار هدایت هسته ای جدید در نزدیکی مرزهای فرانسه تهدیدی برای امنیت این کشور خواهد بود. در نامه اعلام شده است که انعقاد پیمان امنیتی متقابل فرانسه و شوروی به نفع امنیت فرانسه و امنیت در اروپا خواهد بود.

آنها با انقلاب آمده اند تا آنرا از درون مسخ کنند.

این صف اول عقیداران انشاء شده، ولی در صف دوم گروهی از آقایان هنوز ناشناس زیادی ایستاده اند که در جامعه انقلاب و

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

باز هم رسوائی «تربچه های پوک»...

روز یکشنبه ۱۸ آذر، که مردم دلار تبریز رادیو و تلویزیون این شهر را از ضد انقلاب پس گرفتند، توهیها مانند همیشه همراه خلق قهرمان بودند و تمام نیرو به خلق کمک می کردند. در این موقع «تربچه های پوک» چه می کردند؟ یکی از رفقای ما از تیریز می نویسد: «با گروه کثیری از مردم به جلوی ساختمان رادیو تلویزیون رسیدیم. فکر همه این بود که این مرکز را از ضد انقلاب پس بگیریم. همه در تلاش بودند، ناگهان صدائی شنیدیم. این صدا به حزب توده ایران هشدار میداد. ایستادیم و دیدیم که یکی از «تربچه های پوک» از گروه یکبار بلبله کار - گره سبی می کند مردم را دور خودش جمع کند. او مدام به حزب ما نیش میداد و میگفت: «معلوم نیست چرا مردم از آزادانه پخش میشوند و هیچکس جلوی آنها نمی گیرد...» خواستم به او جواب بدهم، اما خلق خوش این جناب را افسا کرد و جوابش را داد. مردمی که مثل من از روی کنجکاوی جمع شده بودند، شروع به حرف زدن کردند. یکی گفت: «حزب توده از اول با انقلاب بوده...» دیگری گفت: «خان تومی نه حزب توده...» سومی گفت: «تو خانی که وقتی مردم دارند با ضد انقلاب می جنگند، شمار اعتراضی میدی...» بعدی اضافه کرد: «ما دوست و دشمن خودمان را می شناسیم. روزنامه مردم از اول با انقلاب همراه بود...» «تربچه پوک» زیر رگبار منطق مردم چاره ای ندید غیر از فرار.

با همکاری آشکار حزب ایران با حزب جمهوری خلق مسلمان در وقایع تبریز موقع آن رسیده است که بدین سؤال نیز پاسخ داده شود که: حزب ایران در کدام جبهه قرار دارد؟

حزب با ایران مبلغ و مروج افکار شاپور بختیار

وقایع اخیر تبریز ماهیت «حزب جمهوری خلق مسلمان» را روشن کرد. ما اکنون میخواهیم به روشن کردن ماهیت «حزب بختیار» بپردازیم. البته میدانیم که حزب ایران عبارت «حزب بختیار» را پیراهن عثمان خواهد کرد. ولی خواننده در سطور زیر خواهد دید که حزب ایران نه تنها خیانت بختیار را قبول ندارد، بلکه از او دفاع می کند و در واقع سیاست «مرغ طوفان» را در ایران دنبال می کند.

زیر نقاب آزادی

حزب ایران در تمام سالیان اختناق حتی یک اعلامیه علیه رژیم منقور پهلوی صادر نکرد. البته ما نمی خواهیم وارد این بحث بشویم که دبیر کل فعلی این حزب در تمام طول سالیان خونبار سلطه پهلوی، که جوانان بسیاری بخاطر خواندن یک کتاب به پای جوخه اعدام می رفتند، در مقام مسئول کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در واقع مأمور اقامت از گنجینه کتابهای ممنوعی بود، که رژیم آنها را از کتابخانه های دانشکده ها جمع آوری کرده و در انبار ذخیره کتابخانه مرکزی جاداه بود.

وقتی مردم قهرمان ایران پایه های رژیم منقور شاه را لرزاندند، اکثر احزاب مثلاً ملی به یاد مبارزه افتادند، البته فکر نکنید مبارزه با آنها با تمام نیرو به میدان آمدند تا سلطنت را برای شاه حفظ کنند و بگذارند او حکومت کند. دهها اعلامیه جبهه ملی، که «حزب بختیار» هم جزو شرکای آنست، از استاد غیر قابل انکار این تلاش بورژوازی لبرال است. اگر کسانی متکرر این واقفیت هستند، ما در صورت لزوم این اسناد را برایشان تکثیر می کنیم، تا گذشته یادشان بماند.

اما بقول معروف، گذشته ها گذشته و حالا باید بموضع این حزب بمبادا انقلاب پرداخت. حزب ایران همانند همه گروه های دیگری که از منافع بورژوازی لبرال در ایران دفاع میکنند اولین و آخرین سگش «آزادی» است. تفاوت این حزب، با دیگر سازمان های چپ دینی که زیر پرچم «آزادی» می بینند، اینست که این حزب رگرواست خواهان «آزادی» است. به گمان حزب ایران، مردم ایران برای رسیدن به «آزادی» انقلاب کردند و لاغیر و حالام «آزادی» در خطر است، «فاشیسم» در میزند، و برای مقابله با آن باید با «هیئت حاکمه» جنگید.

برای روشن شدن بیشتر مطلب، پیام «جبهه آزادی» ارگان رسمی حزب ایران را درج می کنیم:

«ملاقاتی میباید بزرگ راه آزادی و حریت و اسلام راستین، یارین رگه صدق و ادامه دهنده مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری از میان ما رفت.» (جبهه آزادی - ۲۲ شهریور) «اسلام برای ملت، ایران برای ما عزیز، آزادی نخستین نیاز هر انسان است. ایران بدون اسلام، اسلام بدون آزادی، آزادی بدون ایران و اسلام نمی تواند ارزشمن باشد.» (همان شماره)

«نخستین عاملی که انسانها را برانگیخت گرم جمع شوند، شکل بگیرند، بیج شوند، بیجنگ دشمن برونند، آزادی بوده است، ایندو لوی انقلاب فرانسه تحصیل آزادی بود و همینکه در غرب آزادی از بندها رها شد، استعدادها شکوفا گردید...» (جبهه آزادی - مهر) «ارزنده ترین میادای هر مذهب و مشرب، می نظام اجتماعی و هر سیستم سیاسی طیف آزادی آنست...» (همان شماره)

زب ایران از این ستایش هائی که بی دریغ نثار آزادی می کند (و ما تنها نمونه هائی از آن را ذکر کردیم و خواننده می تواند برای آنکه در دریای «آزادی» فرق شود، جبهه آزادی را درق (بزند) چه قصدی دارد؟ آیا میخواهد آنچه که حزب توده ای ما میخواهد و همه مردم سلطنت، آزادی راستین را برای مردم ارمنان بیاورد و با محوساطه امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، توده ها را به حقوق دمکراتیک و دموکراسی راستین برساند؟ نه حزب ایران هدف دیگری را دنبال می کند، هدفان قدیمی

یک سؤال از حزب ایران:

چرا در مقابل اشغال لانه جاسوسی ایران، عامل سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق سکوت کردید و حتی یک کلمه علیه امریکایی خونخوار ننوشتید؟

دبیر کل حزب ایران در طول سالهایی که توده های با سه خاطر خواندن یک کتاب پای جوخه اعدام می ایستادند، مسئول حفاظت از گنجینه کتابهای ممنوع دانشگاه تهران بود.

حزب ایران طرفدار قانون اساسی مشروطه است.

وطاع و شکم پرورد می بینیم که با وجود داشتن امکانات وسیع، خود را مستضعف قلمداد کرده و به سرعت پسوی گروه مستکبر حرکت می کنند، در خانه های طاغوتی سکوت می کنند و در ماسینهای طاغوتی حرکت می کنند... پیام شاپور بختیار، پاریس، هفتم آذر (متن این پیام به صورت نوادر دفتر «مردم» موجود است)

و ن علاقمند هستیم به نتیجه گیری حزب ایران از آنچه تا حالا گفته، برسم، روی این شباهت «اتفاقی» توقف نمی کنیم.

این «ارتجاع»، که با آن آشنا شدید، و همان رهبری انقلاب باید باشد، ماهیت خود را از همان روزهای اول آشکار کرده است، (با انحصار طلبی و طرح نقشه های نادرست، انقلاب را از نخستین قدمها دچار انحراف کردند... (جبهه آزادی - ۱۸ مرداد)

و در نتیجه، «دیگر وحدت مفهومی ندادند و ایمانی هائی که به این عنوان انجام می گیرد، گرچه با عظمت جلوه می کند، دشمن شکن نیست...» (همان شماره)

و هنوز مردم دستور دهری را اجرامی کنند، در کار هم به حرکت درمی آیند و حتی شمار واحد میدهند، اما دلشان با زبان یکی نیست، (همان جا)

و «متاسف که باید بگویم بسیاری از راه پیمائی ها تمسبی است. اگر در ششم بهمن چند سال پیش سدها هزار نفر از ترس ساواک آریامهری در خیابانها برای هم می افتادند، اکنون نیز اکثریت مردم تنها بخاطر رهبری و برای آن که هنوز وحدت خود را در چشم عمال ساواک و سرسپردگان دربار شاه خائن نشان دهند، در کار هم به راه پیمائی مشغولند، ولی دلی پر از خون دارند.» (همان جا)

و نتیجه آخر اینکه، این رژیم همان رژیم آریامهری است.

«متاسفانه انقلاب ایران، که آنهمه موجب امید آوری و خواهان و روشنفکران مبارز ایران بود به بیراهه کشانده شد... شباهت عملکرد دولت جمهوری اسلامی در قفسه کردستان آنچنان با نحوه رفتار و رفتار و مقابله حکومت منجمله شاه شده و یکسان است که موجب تأثر و تأسفح شده است» (۲۲ شهریور)

«این امر بیایم، این جهان نواری بر قدرتها و این زورگویی، دیکتاتوری، خودکامگی، استثمار، سرمایه داری، آنتی تر این همه بیماریها، فقط آزادی است.» (همانجا)

و این «آزادی» هم بی معنا نیست، هدف ما از آزادی، مبارزه با دزدی، و نایکاری و جاسوسی، عوام فروشی، پستکاری، با استعمار، و انحصار طلبی و خودکامگی، رسوا کردن انقلابیون، تقابل با رهبری، همانا نیست که مجاهد نشود، آیت الله طالقانی به آن ها میوه چندان انقلاب، نام نهاد.» (جبهه آزادی - ۵ مهر) مبارزه ضد امپریالیستی دیگر مطرح نیست چون از قید امپریالیسم رها شدیم! از آنجا که حزب ایران حساب خودش را قبال امپریالیسم روشن کرده، «این آزادی بود که استقلال ما را از قید امپریالیسم رهایی داد...» (همانجا)

آلوده و خراب کردن انقلاب کند و از کار افتاد است، فقط یک حرفه باقیست، آن ارتجاع، جناح سیاه فشری گری، انحصار طلبی کسانیت که خود را امیران خوار انقلاب مرفر می کنند.» (جبهه آزادی - سوم آبان)

بنا بر این «دشمن» معلوم است و باید با او تا پای مرگ جنگید، در سالت جبهه ملی اینست با همه قدرت و قاطمیت به میدان جهاد بشتابید، چنان بودی جبهه ملی بدست ارتجاع شرافتندانه تر از آن خواهد بود تا ناظر مرگ آزادی، انقلاب ملی، دموکراسی باشیم، ولی ساکت نشینیم.» (همانجا)

حزب ایران پیش بینی می کند، «ارتجاع با این نیروی کور و کاذب به جنگ آزادی می رود، به خیال خود با لجه بازی می تواند آزادی و انقلاب مردم ایران را به سلب کند... ولی شکست او قهری و مسرگ او حتمی است.» (جبهه آزادی - ۱۰ آبان)

این بار هم «اتفاق» شاپور بختیار با این نظر موافق است و در همان پیام میفرماید: «جای هیچگونه تردیدی برای من نیست که کشور عزیز ایران فتنه خمینی را پشت سر خواهد گذاشت و از هم اکنون در میان ابرهای سیاه ارتجاع نور رستگاری و آزادی را مشاهده می کنیم.»

دست در پی گیری سیاست مبارزه با انقلاب است که حزب ایران، دست بدست حزب جمهوری خلق مسلمان میدهد. حاصل این پیوند ضد انقلابی، شرکت مرتب جانشین شاپور بختیار در جلسات هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان و شرکت مسئولان حزب جمهوری خلق مسلمان در جلسات هفتگی حزب ایران و دست سخنان آنها در روزنامه های یکدیگر است.

«بر اثر درخواست مسرانه مردم، دکتر عزیز، دبیر کل حزب خلق مسلمان، پست میکرفون قرار گرفت. شخصیت برجسته امروز جملسه، جبهه ملی و حزب ایران و مبارزات آن را ستود سپس برای پاسداری از نهادهای انقلاب ضرورت حفظ آزادی را یاد آوری شد و فرمودند همه ما در درجه اول در انقلاب برای تحصیل آزادی بپا خاستیم، باید بگوئیم آنرا حفظ کنیم! به هیچکس اجازه ندهیم به آزادی ملت ما که خونهای شهیدان انقلاب ایران است تجاوز کرد.» (جبهه آزادی - ۲۳ آبان)

و در راستای همین سیاست است که حزب ایران به نبرد با «هیئت حاکمه» ادامه میدهد و در پیاده قانون اساسی می نویسد: «این قانون اساسی آغاز دوران بردگی ملت ما، سرفصل جبرگ استبداد ارتجاعی، سندنرقت و دیکتاتوری سیاه است. این نظامنامه ارتجاع، مخالف دمکراسی، و آزادی بوده حاکمیت ملی و حقوق اقتدار ملت را با لمره نفی میکند و با شیوه مکارانه نیروی امریسن، امپریالیسم و موارثیسم را در لباس دیگر به جامعه ما باز می گرداند، با (ولایت امر) اسلام شاهنشاهی را جایگزین جمهوری اسلامی میکند.» (جبهه آزادی - ۲۸ آذر)

و بعد از انجام رفتارندومی که ۱۶ میلیون نفر به آن رای داده اند، می نویسد: «رفتارندوم با استقبال سرد مردم روبرو شد و با افتخار اضافه میکند، «حزب ایران، حزب قهرمان ما در پیشای صفوف تحریم کنندگان گام برداشت.» (جبهه آزادی ۱۵ آذر).

دفاع از تریه

بیهوده نیست که جبهه آزادی هم مانند دیگر ارگانهای بورژوازی لبرال از حسن تریه دفاع می کند و می نویسد:

«معرضه بر نویسندگان و خطیبان تنگ کرد، به آنها اجازه بیان ندهند، تریه ها باید در پی در خانه به خانه ستوری گردند...» (۱۰ آبان)

دفاع از بختیار

خوایند در دستور بالا اتفاق نظر «اتفاقی» حزب ایران را با رهبر چندو چندین ساله حزب، یعنی بختیار خائن دید، اما این «مخواری» و کف زدن در کلوب حزب ایران، هنگام آمدن آن خائن، تمام نشیود و در ارگان حزب ایران رسماً مطرح می گردد

«دانش ایران بسیار بیروند است و احتمال رسیدن به یک پیروزی نظیر پیروزی سیریدیکر منتفی است.»

و حالا نیز همین آقای قاسمی، چنین دفاعیه هائی را از بختیار در روزنامه ارگان حزب چاپ می کند: «اعمال بختیار چیزی نیست که بشود به دولت در حق آن ضاوت کرد. تاریخ باید چنین ضاوتی را بنماید، ولی نخست وزیر شدن دکتر بختیار، نه تنها مطابق خواست افراد جبهه ملی و حزب ایران نبود، بلکه باعث ناراحتی نیز گردید که ناگزیر نیز اورا فقط به علت سرپسچی از انقباض حزب و جبهه کنار گذاشتند، نه متادون دیگری که شما در دنبال آن هستید.» (جبهه آزادی - ۲۲ شهریور)

«تنها فرقی که بین اقدام مرحوم آیت اله کلثانی با اقدام دکتر شاهپور بختیار وجود دارد، اینست که اولی شاه را برادر یک سلطنت ظلم و فساد و استبداد مستقر کرد و دومی اورا از وطن اخراج نمود.» (همانجا)

و در مقاله دیگری، به قلم آقای خلیل الله مقدم به دفاع از بختیار ادامه می دهد: «من قصد دفاع از او (بختیار) را ندارم، ولی چه خوب بود که تحقیق می گردید تا ببینید که آیا نسبت های داده شده به دکتر بختیار در روزنامه مردم درست است یا نه؟ زیرا وی ملی اطلاعیه ای یا نثار را در وی بی سیم و در محاصره اقتصادی ایران را تکذیب کرده است...» (جبهه آزادی - ۸ آذر)

یکی از رهبران حزب ایران رسماً از بختیار چنین دفاع می کند: «مدارک موجود به خیانت بختیار فضا نمی دهد، در حسن نیت او شك نداشتم. انتظاری جز این از او نداشتم.»

مشروطه، آری!

البته از آقای خلیل الله مقدم که تا آخرین لحظه در کنار بختیار بودند هنگام انتخاب کابینه بختیار، هر چند پست وزارت اطلاعات را در بختیار، امامشاور وزیر دیک ایشن بودند هنگامیکه بختیار نویسنده گان مطبوعات را برای حمایت از خود به خانه اش دعوت کرد، کارچرخان آن مراسم بودند و همیشه در نخست وزیری به تلفن های بختیار جواب می دادند، انتظاری بیش از این نداریم که از رفتار خود دفاع کنند. و تازه هم ایشان هستند که خواست واقعی حزب ایران را که قانون اساسی سابق باشد (یعنی شاه باشد، اما سلطنت کند) را سر بیا اعلام می کنند.

ایشان برای اعلام این خواست، قانون اساسی شاهزاده را با قانون اساسی جدید مقایسه می کنند و به نتایج جالبی می رسند. از جمله ایشان اصل ۱۲۷ قانون اساسی شاهزاده را، که قوای کشور را ناشی از اعلی حضرت شاهنشاهی میدانند با اصل ۱۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قوای سه گانه را ناشی از اعمال حق حاکمیت ملی میداند، مقایسه کرده می نویسند: «توجه بفرمائید که اصول پیشین پخته تر و اصل ۱۶ کنونی خود گامانه تر است.» (جبهه آزادی - ۱۸ مرداد)

بدین ترتیب تلویحاً با مترقی تر دانستن قانون پیشین، آنرا به قانون فعلی ارجح میدانند و بدینسان نیت واقعی خود را اعلام می کنند.

یک سؤال از حزب ایران

ما می پرسیم، شما که اینهمه اعلام جهاد با «هیئت حاکمه» می کنید، شما که اینهمه برای «آزادی» مردم دل میوزانید، شما که اینقدر تکران «سرنوشت» مردم هستید و آنها را از بازگشت «فاشیسم» می ترسانید، ممکن است به ما جواب بدهید:

چرا وقتی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام لانه جاسوسی آمریکا را اشغال کردند و معلوم شد که آنها مرکز فعالیت علیه انقلاب ایران بود و جاسوسان آمریکائی در شهادت ۶۰ هزار ایرانی دخالت مستقیم دارند، سکوت کردید؟ شما که اینهمه انصاف بزرگ دفاع میکنید وزیر نام او را بپوشانید، رجسما می دانید که از همین باصلاح سفارتخانه، توسط سرنگونی دولت ملی اورا ریخته اند، ممکن است بگوئید چرا در مقابل این عمل سکوت کردید و پسردون اینکه کلمه ای علیه امریکایی خونخوار ننوشتید، فقط خواستار استرداد شاه خائن شدید و بجای اینکه به دشمن خلقی های ایران، آمریکا حمله کنید، به رهبری انقلاب حمله کردید و نوشتید، «ارتجاع می خواهد از احساسات پاک فرزندان ما در این روزها و روزهای مقدس محرم استفاده کند و دفترترین نظام مردمی و جمهوری واقعی اسلام را فرو ببرد، ایندو لوی سیاه ارتجاع را بخسودد شما بدهد.» (جبهه آزادی - ۲۴ آبان)

راستی به نظر شما آمریکایی خونخوار در طول ۳۷ سال گذشته بیشتر آزادی مردم ما را زیر چکمه های خنثی کند کرد که با محوساطه امپریالیسم

انقلاب ایران از دیدگاه امپریالیسم امریکا

آقای برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا - چند روز پیش يك مصاحبه تلویزیونی انجام داد که خلاصه آن را رادیوی صدای آمریکا پخش کرد. نامبرده در این مصاحبه «گروهی را که در ایران میخواهند و کوشش میکنند مناسبات ایران و آمریکا را تیره سازند، مسئول جریانات و بحران جاری دانست و افراطیون اسلامی و مارکسیستی را جزء این گروه خواند»

در همین يك جمله، کوربینی مطلق دستگاه دولتی آمریکا را در ارزیابی انقلاب ایران و سبب پیدایش «بحران» در رابطه ایران و آمریکا نمایان است. این همان کوربینی است که باعث شد دولت آمریکا شاه مخلوع را تا آخرین لحظه سقوط و با تمام نیروی خود حمایت کند، قدرت طوفان اساسی انقلاب ایران را تا سقوط رژیم سرسپرده خود نبیند و پس از پیروزی انقلاب ایران، در صدر برآید که باز همان رژیم و یا شبه

آن را مجدداً در ایران بروی کار آورد و بدین منظور و بعنوان اعلام خصیم خود، شاه مخلوع را در خاک آمریکا جای دهد. از دیدگاه امپریالیسم و دولت کار-گزارش - که برژینسکی طراح سیاست و سخنگوی آنست - انقلاب ایران را «گروهی» انجام داده اند. هدف این «گروه» نیز «تیره» ساختن روابط ایران و آمریکا است. و این گروه کوچک، جزء کوچکی تری دارد اسلامی و مارکسیستی. که گروه کوچکتر اخیر «افراطی» اند.

چشم امپریالیسم، که از روزنه تنگ منافع آزمندانه و حرص غارتگری بدینا مینگرد و بهنگام شکست یکسره کور میشود. نمیتواند ببیند که انقلاب ایران را نه «گروهی»، بلکه خلقی چند ده میلیونی با وحدت عملی، که در تاریخ جنبش رهاایشش کم نظیر بوده، انجام داده است. این چشم، که از غرض کوربینی است، همچنین نمیتواند ببیند که هدف اصلی انقلاب ایران ضد امپریالیسم، تأمین استقلال کشور و برقراری مناسبات برابر

حقوق با دیگر کشورهای است و نه «تیره» ساختن روابط ایران و آمریکا، و اگر آمریکا بخواهد و بتواند روابط خود را با ایران بر مبنای شناخت بی خدشه انقلاب رهایی بخش ایران، شناخت بی خدشه حق حاکمیت ایران، برابری حقوق و نفع متقابل برقرار کند، هیچگونه «تیرگی» در این روابط نخواهد بود. ولی اگر نمیخواهد و بر اثر ذات جهانخواهانه اش نمیتواند، آنگاه ایران این روابط مظالم با مظلوم را میخواهد چه کند؟ این چشم از غرض کوربین همچنین نمیتواند ببیند که جنبش رهایی بخش عظیمی، که زیر پرچم اسلام در ایران برپا شده و مارکسیستی اصیل نیز بدلیل انطباق برنامه خود با «قطعه» این جنبش، معروف به «خط امام»، با آن همگام و هم رزمند، «گروه» نیست و اگر آقای برژینسکی این جنبش خلقی را «گروهی» آنهم «افراطی» می بیند، بدلیل آنستکه خود در جستجوی «گروه اعتدالی» است،

آموزش و پرورش کرمانشاه تقدیم میکند!

آموزش و پرورش کرمانشاهان از لیسانسهای که مایل به استخفاف در این اداره هستند آزمون کتبی بعمل آورده است. این آزمون که بصورت تست چهارگانه تنظیم شده، حاوی نکات آموزنده ایست که برای نمونه از پستی سوالهای اطلاعات عمومی آن چند مورد نقل می شود: «سوال ۳- مهم ترین عامل گرایش به مادیگری در جهان غرب چه بود؟ الف- نارسایی مفاهیم دینی کلیسا بنسازسای مفاهیم فلسفی غرب. ب- جنایتهای که در قرون وسطی با ستم مذبح صورت گرفت. ج- غلبه هوی و هوسهای نفسانی. د- اجناس جور دیگری هم در این دهک هست. فقط فراموش نکنید که اگر دنبال دشمن انقلاب می گردید، سراغ امپریالیسم، عامل ساواک و سرمایه داری وابسته را نگیرید، چون: «سوال ۳۷- خطرناکترین گروه ها برای انقلاب الف- کافراند. ب- بد مشرکانند. ج- منافقانند. د- جاهلاند.» دیدید؟ می خواهید باز هم کسب فیض کنید؟ بسیار خوب، پس بدانید که امپریالیسم شرقی (۱۱) هم در کوردستان حضور داشته است. ناگزیرید این خبر دست اول را بپذیرید و گرنه نمره منفی میگیرید: «سوال ۴۰- بحران کوردستان را الف- ایادی امپریالیسم غرب و شرق و صیونیسم بوجود آوردند. ب- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بوجود آوردند. ج- بیروانیان مذاهب تشیع و تسنن بوجود آوردند. د- نیروهای ارتش و ژاندارمری بوجود آوردند.» اگر مسئولین آزمون استخدام دبیران لیسانسیه آموزش و پرورش کرمانشاهان اجازه بدهند، می شود با طرح سوالات جامع تری ایشان را یاری داد. مثلاً، محض نمونه، یک سوال طرح شده است: سوال نمونه - مفیدترین گروه ها برای انقلاب کیانند؟ الف- کابله که به بهانه آزمون، تقییش عقاید می کنند. ب- نوکران بی چیره و مواجب یا مزدبگیر امپریالیسم که با اشاره به کمونیسم، فریاد می زنند: «درد را بگیر!» ج- متخصصین آموزش و تعلیمات نامیون اندیشه علمی. د- بنیان گزاران تهریف نوین و صد درصد علمی اطلاعات عمومی.

فئودال جنایتکار را گرفتیم، آزادش کردند باز هم او را گرفتیم، باز هم آزادش کردند...



اقدامات تلافی جویانه فئودال جنایتکار، نمی تواند نام را نامنا کنند.

«مردم» - از آنجا که ریشه کن ساختن فئودالیسم از سیاستهای اعلام شده شورای انقلاب است و از آنجا که طبق اظهارات روستائیان فئودالهای موسوفی نه فقط به بهره کشی وحشیانه از روستائیان ادامه میدهند، بلکه جنایات متعدد نیز مرتکب شده و میشوند، لازم است که هرچه سریعتر بتقاضای دهقانان زحمتکش رسیدگی شود و دست از ینگونه زالوهای جنایتکار از زندگی روستا های کشور ما کوتاه گردد.

مشی اصولی حزب توده ایران، راه خود را به جلو باز می کند

علی، دانشجوی هوادار حزب درفرانس، درنامه پرمهری که برای مانوشته، حل پیوستن خودرابه حزب طبقه کارگرتوضیح میدهد و می نویسد: «این اولین نامه و تماس من با «مردم» است، ولی چند ماهی میگذرد ازاینکه راه صحیح و اصولی حزب خودم، حزب کارگران و زحمتکش را پیدا کرده ام و با شما همسفر شده ام و باید اضافه کنم که این راه را با تلاش زیاد از بین همه راههای انحرافی یافته ام و شناخته ام.»

روستائیان منطقه کلیبر، بخش قره داغ، خواستار مجازات فئودالهای خون آشام منطقه هستند

روستائیان منطقه کلیبر، بخش قره داغ، نامه ای برای «مردم» فرستاده اند و در آن از جنایات و ستمگریهای فئودال های این منطقه یاد کرده و خواستار مجازات آنها شده اند. آنها می نویسند: «ما از اهالی رنج دیده و ستم کشیده منطقه کلیبر- بخش قره داغ هستیم که سالیان متوالی دزدیر ستم فئودالهای خون آشام منطقه، از قبیل عبدالله خان محمد خانلو و فرزند چلاوری اسدالله محمدخانلو، وکیل فرمایشی و رستاخیزی مجلس غیر قانونی، بوده ایم. ما وی را بعد از پیروزی انقلاب دستگیر کرده و تحویل کمیته مرکزی تبریز دادیم که بعد از یک دوروز با ضمانت یکی از تجار تبریز آزاد گردید. دوباره به همت مبارزان پیگیر و زحمتکش منطقه اهر- ارسباران اورادستگیر و به کمیته مرکزی تبریز تحویل دادیم، که این عمل مورد پشتیبانی

افزاینده که بعلت وحشت از

کاخ بیداد را زبن گندیم خانه حزب را گنیم آباد

خانه حزب را بیسازیم!

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ابرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: ۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک تهران ممکن است. ۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

من دختر دانش آموزی هستم و چون نمیتوانم درجائی کارکنم که بتوانم به ندای حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران، پاسخ دهم، تصمیم گرفته ام که به مدرسه پیاده بروم و پول بلیط را کنار بگذارم و همچنین تصمیم گرفته ام وقتی در مدرسه گرسنه هستم، گرسنگی را تحمل کنم و پول بلیط و پول نان را کنار بگذارم، شاید بتوانم با این پول ناچیز پس اندازی جمع بکنم و تقدیم حزب بکنم. همچنین تا بحال به کمک دوستان و بچه ها ۵۰ تومان جمع کرده ام و به شماره حساب بانکی حزب (یعنی ۸۶۸) خواهم پرداخت. به امید روزی که بتوانم به طبقه کارگر خدمتی بکنم.

امیدوارم که زندگی من در راه خدمت به حزب و کار و کوشش در راه مردم و در راه صلح پایان برسد.

تا آخرین نفس راه حزب را ادامه خواهیم داد.

دروود بر حزب توده ایران، سلام بر رفیق کیانوری و دیگر توده ای ها.

مردم - زبان و قلم ما از ستایش و سپاسی که شایسته این همه ایمان و این همه فداکاری باشد، قاصر است. تنها این نکته را می خواهیم به رفیق جوان انقلابی - مان توصیه کنیم که گرسنگی نکشد و پیاده به مدرسه نرود. همینکه او آگاهی خود را برای چینی فداکاری اعلام کرده است، برای حزب کافیست. او می تواند همراه دوستان خود برای حزب کمک مالی جمع کند.

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، جز آنکه به اینکه فرستنده گان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای است معمول و گدیمان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوءتفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزب و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

با سپاس «مردم»

خانواده ای که به وظیفه حزبی خود عمل کرد

در جریان همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حوادث گوناگونی اتفاق افتاده است که برخی از آنها خواندنی است. از جمله این حوادث رویداد خاصی است که از بهشهر برای «مردم» گزارش شده است، که در زیر میخوانید:

در آخرین لحظات انجام رفراندوم، در دومین روز آن، يك گروه سیار اخذ آراء در شهر گردش میکرد تا اگر کسی موفق نشده رای بدهد، در صورت تمایل برای خود را به صندوق بیاورد. هنگام گردش اتومبیل در یکی از محلات کارگرتستین بهشهر، جوانی به سر نشینان اتومبیل نزدیک شد و گفت: «مادرم کارگر است و در یکی از خانه های مسکونی کارگری کارخانه نساجی بهشهر زندگی میکند و با آنکه سخت دلش می خواهد رای بدهد، بدلیل بیماری قادر به خروج از خانه نیست.» سر نشینان اتومبیل، به همراه پاسداران، همراه جوان همگی روانه خانه این کارگر شدند. مسئولان رای گیری پس از پشت سر گذاشتن کوچ و حیاط خود، به اتاق کوچکی راهنمایی شدند که زن کارگر در آن بستری بود. زن، که حدود ۵۰-۶۰ سال داشت، برای خوش آمدگویی به افراد گروه سیار اخذ رای، در رختخوابش نیم خیز شد و با لبخند به آنها تعارف کرد تا داخل شوند. چند کودک خردسال اطراف رختخواب مادرشان چمباتمه زده بودند. روی دیوارهای اتاق سه عکس جلب نظر میکرد. این عکسها، که

توده ایها، رای دادیم.

چرا خلاف پیام تاریخی امام سخنرانی می کنند؟

بازگشت آرامش و صلح و برادری به کردستان عزیز و حفظ وحدت و توفیق همه میهن دوستان حقیقی و معتقدان واقعی به انقلاب ایران است. این وظیفه انقلابی در یکی از تاریخی ترین پیامهای امام خمینی تجلی یافته. امام خمینی در همین پیام از همه اقشار و طبقات مردم ایران خواستند که وحدت و یکپارچگی خود را از هر مسلک و مرامی هتدند، حفظ کنند و همه فلسفا و تفکیرها را بسوی دشمن واحد انقلاب و خلق ایران، یعنی امریکای جنایتکار نشانه برون، آری تمام نیروها و عناصری که به نوعی در کارهای اجرائی و رهبری انقلاب سهم دارند، باین پیام لبیک گفتند.

انقلاب و آینده خود با سخنان ستوار را خواهد داد. یادآوری این نکته راپس از خواندن نامه ای که به دفتر مردم رسیده و شما

هم آنرا در زیر میخوانید، لازم شدیم. این نامه چنین شروع میشود:

«من در منابع دفاع ملی کار میکنم. امروز دیدم با تشریح ریش صورت و گرفتن تسبیح بدست، مسلمان نشده ام همه کاران میدانند که سالهاست ایامی خلل ناپذیر به امام خمینی و اسلامی دارم که او را مظهر آن میدانم. وقت زیادی برای مطالعه ندارم که دلیل بزرگش هم ساعات طولانی است که باید یا کار کنم و یا در طول مسیر خانه و محل کار در اتوبوس و خیابان بگذرانم. اما این کمی وقت تاکنون باعث نشده که از رویدادهای مسلک، که به نوعی با سر نوشت انقلاب ارتباط دارد، عقب بنام. حداقل تیرهای روزنامه را هر روز میخوانم و جمع که برای نماز به دانشگاه تهران میروم، با همفکری پرس ۱۶ ساله ام، اعلامیه هایی را که در جاپانه ای اطراف دانشگاه پخش میکنند، جمع آوری میکنم و همراه چند کتابی که از مقابل دانشگاه

میخریم به خانه می آوریم و یک هفته ای آنها را مطالعه میکنم. تیر روزنامه ها را بخاطر میسپارم و اخبار رادیو را حتما شبها گوش میدهم.

قسمد این نیست که از زندگی خصوصی و افکارم بگویم. اما ذکر این مقدمه را لازم دیدم تا این را بگویم که در تمام مدتی که جنگ برادری در کردستان جریان داشت، بحث شب و روز ما در خانه و محل کارم، که با ارتش ارتباط مستقیم دارد، بر سر همین جنگ بود و اینکه چگونه میتوان باین برادری ختم داد. حساسیت من و تعدادی از همکاران و هم چنین افراد خانواده ام باعث شد تا با پیگیری بیشتر از روی اعلامیه ها و روزنامه ها به فهمیم نظر گروهها و سازمانها و افراد مختلف درباره این جنگ چیست. در جریان همین پیگیری متوجه شدم که حزب شما بحق در بحرانی ترین شرایط و در اوج فزاینده جنگ در کردستان، با جسارت اعلام داشت که راه حل بحران کردستان جنگ نیست، من

از این پیشنهاد و جسارت طرح آن درست در زمانی که همه به جنگ می اندیشیدند، بسیار خوش آمد و اعلامیه ها و مطالب حزب شما را در ارتباط با بحران کردستان با دقت بیشتر مطالعه کردم. حتی یک بار بر سر همین موضع حزب شما، در محل کارم با چند نفر دیگر سخت درگیر یک بحث شدیم، که خوشبختانه پادداری شما در نظری که داشتید و دازید و همچنین صدور اعلامیه تاریخی امام خمینی در رابطه با بحران کردستان و اعلام این موضوع از طرف دانشجو جوان مسلمان بیرو خط امام، که اسنادی در لانه جاسوسی امریکا کشف شده، که نشان میدهد سر نغ، بحران کردستان و خوزستان در دست امریکا بوده، باعث دور سیدی من شد.

دوستام میگفتند حزب توده اشتباه و حتی خیانت میکند، چون دولت را تشویق به سازشکاری میکند، باید جنگید و تاکید می کردند که بالاخره حزب توده هم نظرش را عوض خواهد کرد. اما

همانطور که گفتم، رو سفید شدم و هیچکدام از این نظرات درست از آب در نیامد. نه شما نظر تان را عوض کردید و نه امام خمینی اجازه ادامه برادری را داد و نه این جنگی برای حفظ و ادامه انقلاب بود، زیرا همانطور که بعد معلوم شد، امریکا در برپایی و ادامه آن نقش داشت و تلاش میکرد.

باز هم هنوز درباره انگیزه ام جهت نوشتن این نامه به دفتر روزنامه مردم ننوشته ام، اگر چه همه ارتباطات کردستان، در ارتباط مستقیم با انگیزه من برای نوشتن نامه است. بر روی سر اصل موضوع و انگیزه نوشتن نامه...

چند روز بعد از صدور پیام امام در رابطه با بحران کردستان، در حالیکه همه ما خوشحال بودیم از اینکه سرانجام برادری تمام شده، شایع شد که آقای چمران برای ایراد سخنرانی به صنایع دفاع ملی می آید. موضوع سخنرانی معلوم نبود و ما هم فکر کردیم یکی از همان برنامه های سخنرانی است که معمولا ترتیب می

نشدند گان سخنرانی آمده بود، او خطاب به آنها گفت: شما نمیدانید آنها (کردها) چه وحشیانه هائی هستند و... البته بعد از سخنرانی و روزهای بعد، جو سمومی که این سخنرانی در بین شنوندگان آن سخنرانی بوجود آورده بود، با پخش برنامه هائی در ارتباط با جنگ کردستان و خواستهای مردم کرد تا حدود زیادی فروکش کرد و حالا میتوان گفت تقریبا ازین رفته است. ولی هنوز این نکته برای من روشن نیست که چرا مقام مسئولی خلاف امر و پیام امام خمینی دهان باز میکند و حرفهای میند که خلاف مسیر انقلاب است؟

نمنا که در پایان بار دیگر یادآوری میکنم که این نامه را فقط بدان جهت برای چاپ در روزنامه مردم فرستادم، که همانطور که گفتم، میدانم شما از ابتدای جنگ هم خواهان حل مسئله از طریق مسالمت آمیز و برادری بودید. «امضاء محفوظ»

حجت الاسلام موسوی خوئینی:

هر که در مبارزه با آمریکا تفرقه بیافکند، جاسوس آمریکاست

دشمن اصلی مردم و انقلاب ایران در شرایط کنونی امپریالیسم آمریکاست و هر گونه تفرقه افکنی در این مسیر، یا کار جاسوسان آمریکاست و یا به نفع آمریکا تمام میشود.

حجت الاسلام موسوی خوئینی در سخنرانی مفصلی که در مقابل لانه جاسوسی ایراد کرد و از تلویزیون هم پخش شد، به سخنان بالا افزود:

«هر کجا دیدید، دو گروه با هم اختلاف دارند و سختی غیر از مبارزه با آمریکاست، بدانند که ما موران سیاق و سوز کرده اند. این تصادفی نیست، درست در زمانی که کردستان رو به آرامش می رود، آتش را در نقطه دیگری روشن می کنند. دست آمریکاست که این آتش را روشن میکند، هر که نداند - این توطئه ها کار آمریکاست - چیزی نمی داند. مبارزه با آمریکا در حکم مبارزه با یک قدرت شیطان است. ملت ایران باید با

اتحاد و همبستگی و اطاعت از قدرت رهبری، با این قدرت مبارزه کند.»

حجت الاسلام خوئینی در جای دیگری گفت: «بسیار جای تأسف است در حالیکه فرزندان، خواهران و برادران شما، شب و روز جان بر کف دداخل و بیرون این لانه جاسوسی استقامت و پایداری میکنند در مبارزه با آمریکا، در مقابل لانه جاسوسی، یک جمعیت با جمعیت دیگر نزاع کنند.»

حجت الاسلام خوئینی در جای دیگری گفت: «اگر اختلافات بر فرض بین من و شما این باشد که من بگویم، با آمریکا نباید جنگیم و شما بگویید باید بجنگیم، با من باید جنگید. اما اختلافات میان مردم در این سطح نیست، بر سر مسائل پیش پا افتاده است. اختلافات را کنار بگذارید و اجازه ندهید دشمن، یعنی جاسوسان آمریکا، در میان ما شگاف ایجاد کنند.»

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

آغاز سی و نهمین سال زندگی پرافتخار حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را به شما رفقای عزیز تبریک می گویم. زندگی پرافتخار حزب ما بحق تبلور زندگی جامعه ای است که در مسیر راهی خویش از زیر یوغ استعمار و استبداد مبارزهای خونین را ملی کرده است و بحکم منطبق مبارزه، از آنجا که منکب به نیروهای رند یا بنده و تسخیر کننده آینده بوده است، دیوار پوسیده امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده اش، توانسته راه را بر او ببندد.

چه در روشنائی امروز، حامیان ظلم حکم نابودیشان صادر میشود و حزب توده ایران آغاز سی و نهمین سال زندگی خود را جشن می گیرد.

با آرزوی سلامت و موفقیت هر چه بیشتر. هواداران حزب توده ایران در دانشکده دانشگاه پزشکی دانشگاه تهران

در یاد آمدنی فرمانده نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران در گفتگویی با خبرنگار اردو تلویزیون مسکو سیاست دفاعی ایران را تشریح کرده گفت:

«آنچه برای ما مطرح است، دفاع کردن است. ما مطلقا برای تهاجم نتوانیم رفت. ولی در مسیر دفاعمان سرسختیم و اضطراب نداریم.»

در یاد آمدنی با اشاره به رفت و آمد ناوگان جنگی آمریکا در نزدیکی خلیج فارس گفت:

«اگر بخواهند بر زوبی ما وارد شوند، قویا مقابل خواهیم کرد با نیرویی که داریم و در حسد توانمان. اومتفکر شده که این راه مطمئن داریم که در درازمدت پیروزی از آن ملت ایران است.»

در پاسخ باین پرسش که: «آیا

نام نویسی در حزب توده ایران

کارکنان و زحمات کارکنان حزب توده ایران که کمابند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرست اینکار را ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۱۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶

نام	آدرس
منوچهر نادری	از کرمانشاه، کارگاه دژ
ساسان از کرمانشاه	(به حزب پدرش)
ف	کارگاه دژ
و	
تیمور	
بهداد و آرش	از کرمانشاه (به حزب مادرشان)

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

۱۰۰۰	ریال
۵۰۰	
۱۰۰۰	
۱۰۰۰	
۱۰۰۰	
۱۱۰۰	

استقرار موشکهای هسته ای از جانب امپریالیسم امریکا در خاک کشورهای اروپای باختری، مسابقه تسلیحاتی و خطر جنگ را تشدید میکند

در جلسه روز چهارشنبه ۲۱ آذر شورای پیمان نظامی تجاوزی ناتو، که در بروکسل، پایتخت بلژیک، برگزار شد، مسئله استقرار موشکهای هسته ای در خاک کشورهای اروپائی ناتو بتصویب رسید.

طبق این طرح، ۶۰۰ موشک هسته ای در خاک کشورهای اروپائی عضو ناتو استقرار خواهد یافت که بسوی خاک اتحاد شوروی هدف گیری شده اند. این طرح بسوی وزارت دفاع آمریکا و فرماندهی ناتو تهیه و با اصرار دولت ایالات متحده آمریکا به کشورهای اروپائی عضو پیمان ناتو تحمیل شده است.

امپریالیسم آمریکا با تحمیل طرح استقرار موشکهای هسته ای در خاک کشورهای اروپائی عضو ناتو، از یکسو منافع مجتمع نظامی- صنعتی انحصارات آمریکائی را تأمین میکند که مسابقه تسلیحاتی منبع درآمدهای سرسام آوره است، و از سوی دیگر این اقدام تلاشی است از جانب آمریکا، برای آنکه در صورت وقوع جنگ، کشورهای اروپای باختری هم پیمان خود را زیر نخستین ضربات متقابل سلاح هسته ای قرار دهد، به این امید که بتواند سر زمین خود را از آماج این ضربات برهاند.

قریب یکسال است که شخصتهای مسئول مقامات بلند پایه سیاسی و نظامی آمریکا به کشورهای اروپای غربی در رفت و آمد هستند و با سران این کشورها بمنظور قانع کردن و جلب موافقت آنان برای تصویب و اجرای برنامه استقرار سلاح هسته ای موشکی در خاک این کشورها تماس میگیرند.

از سوی دیگر محافل اجتماعی و سازمانهای سیاسی کشورهای غربی عضو پیمان ناتو از همان آغاز پیشنهاد این طرح از جانب فرماندهی ناتو در دولت آمریکا، مخالفت جسدی خود را با آن ابراز داشته و خطرهای بزرگی را که استقرار سلاح هسته ای موشکی در اروپای غربی در بر خواهد داشت، یاد آور شده اند.

فدراسیون بین المللی زنان دمکرات ملی اعلامیه ای خاطر نشان نموده است که اجرای این طرح به روند تشنج زدائی لطمه جبران ناپذیری میزند و سر آغاز تشدید بازم بیشتر مسابقه تسلیحاتی خواهد بود.

میشلان زیدون، دبیر هماهنگی جنبش هواداران صلح در فرانسه، اظهار داشت که اجرای برنامه استقرار سلاح هسته ای موشکی در اروپای غربی موازنه نیروها در اروپا را بر هم میزند و خطر تبدیل قاره اروپا به عرصه جنگ هسته ای را تشدید میکند.

روزنامه سامبر، در بروکسل، مرکز ستاد پیمان ناتو، اظهارات بزرگی بر ضد این طرح جنگ طلبانه فرماندهی ناتو برپا کرد، که شخصتهای سیاسی و اجتماعی بلژیک نیز در آن شرکت کردند.

در قلمنامه ای که از جانب نظامیان بلژیک تصویب رسید، اجرای این طرح بمنابه اقدامی خطرناک در جهت تشدید مسابقه تسلیحاتی و افزایش خطر پیدایش جنگ هسته ای توصیف شده است. در دیگر کشورهای اروپای باختری عضو پیمان ناتو نیز اظهارات گسترده ای به مناسبت اعتراض و مخالفت با استقرار سلاح هسته ای موشکی در اروپای غربی برپا گردید. محافل اجتماعی انگلستان، ایتالیا، جمهوری فدرال آلمان، بلژیک، دانمارک و دیگر کشورهای اروپای باختری ملی اجتماعات و تظاهرات خود را در طرح را محکوم کردند و از دولت کشورهای خود خواستار شد که از موافقت با آن خودداری نمایند، اما با وجود این اعتراضات

کسترده، سرانجام دول اروپائی عضو پیمان ناتو، در مقابل دولت آمریکا و فرماندهی پیمان نظامی ناتو تسلیم شدند و با استقرار سلاح هسته ای موشکی در خاک کشورهای خود موافقت کردند. حزب کمونیست فرانسه، در رابطه با طرح استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی، به دولت فرانسه پیشنهاد کرد که دولت فرانسه، برای جلوگیری از خطرهای احتمالی این اقدام، با اتحاد شوروی پیمان عدم ترس منعقد کند. حزب کمونیست فرانسه عقده چینی پیمان را یکگاه راه نجات مردم فرانسه از یک فاجعه احتمالی میدانند.

اجرای برنامه استقرار سلاح هسته ای موشکی در خاک کشورهای اروپائی ناتو، قبل از هر چیز، باسند نهائی و تمام مصوبات کنفرانس همکاران و امنیت اروپا، که با شرکت سران همه کشورهای اروپا و ایالات متحده آمریکا و کانادا در هلستینکی، پایتخت فنلاند، تشکیل یافت، منایرت دارد و ناقض تصمیمات جمعی این کنفرانس است در مصوبات و سند نهائی کنفرانس هلستینکی به تمام دول شرکت کننده توصیه شده است که در راه و خاتم زدائی و قطع مسابقه تسلیحاتی کوشش کنند و سعی نمایند که روند و خاتم زدائی بازگشت ناپذیر شود.

اتحاد شوروی بارها دول کشورهای عضو پیمان ناتو و دولت امریکا را از اجرای این طرح بر حذر داشته و بی آمدهای خطرناکی را که اجرای این طرح میتواند برای همه خلقهای اروپا و جهان در بر داشته باشد، یاد آور شده است.

اتحاد شوروی با وجود این عمل ماجراجویانه دول غربی و پیمان ناتو، به پیروی از سیاست صلح خواهانه خود، نیروهای مسلح خود را، که به موجب پیمان دفاعی و رشو در کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی مستقر هستند، کاهش میدهد. از اکتبر سال جاری، خروج ۲۰ هزار نفر از واحدهای ارتش شوروی و هزار تانک از خاک جمهوری دمکراتیک آلمان آغاز شده است.

آندره گومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، طی مصاحبه مطبوعاتی که در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، تشکیل گردید، ضمن اشاره به خطر هائی که اجرای این برنامه برای صلح و امنیت اروپا و همه خلقهای جهان در بر خواهد داشت، متذکر گردید که دولت آمریکا و محافل ناتو در مقابل اقدامات صلح خواهانه اتحاد شوروی، با اقداماتی دست میزنند که مسابقه تسلیحاتی و خطر جنگ را تشدید میکند. این اقدامات در راه مذاکرات مربوط به کاهش تسلیحات و نیروهای نظامی مستقر در اروپا، که در وین میان نمایندگان کشورهای عضو پیمان دفاعی و رشو و پیمان نظامی ناتو جریان دارد، موانع جدی ایجاد میکند.

انگیزه اصلی این اقدام جنگ طلبانه دول امپریالیستی، به سر- کردگی امپریالیسم امریکا، را باید در سرشت نظام سرمایه داری و ماهیت امپریالیسم جهان تصور جستجو کرد. امپریالیسم امریکا، طبق قانون مندیهای درونی خود، متجاوز، جنگ طلب و ماجراجوست. امپریالیسم دشمن اصلی استقلال و آزادهای خلقهاست. سیاست دول امپریالیستی از منافع آزمندانانه انحصارگران غارتگر نشأت میگیرد. این سیاست در جهت مخالف منافع خلقها و استقلال ملی کشورهای جهان است. پس همه خلقها و ملتف هستند که اقدامات جنگ طلبانه و مسابقه تسلیحاتی امپریالیسم امریکا را اشتهاء کنند و در مقابل آن ایستادگی نمایند.

چرا عده ای از کارکنان «کشت و صنعت کازرون» اخراج شده اند؟

حدود ۴۰ نفر از کارکنان «کشت و صنعت کازرون» واقع در شهرستان خوزستان روز ۴ آذر، پدنیال عدم رسیدگی مقاصت مسئول وزارت کشاورزی به اعتراضاتشان، با خانواده خود، در وزارت کشاورزی واقع در بلوار کشاورز اجتماع نمودند.

سرگردانی، طی جلسه ای که روز پنجشنبه ۲۴ آبان با آقای «نظیری» مسئول وزارت کشاورزی داشتیم، بمدار مذاکرات و توضیحات لازم و تحقیق و بررسی با ارائه مدارک مستند، ما را بحق شناختند که از روزشنبه ۲۶ آذر بر سر کار خود برگردیم.

این خبر از طریق صدای جمهوری اسلامی ایران نیز پخش شد، اما

جواب هستیم. یکی از این کارکنان بخرنگار مردم گفت: «ما صرفا و صرفا بجهت درخواست تشکیل دشواره و اینکه باید کادر اداری مانتصفیه شود اخراج شده ایم.» یکی دیگر از کارمندان اخراجی گفت: «در حالی که تمام کارگران و کارمندان این کشت و صنعت طی طوماری خواستار برگشت ما شدیم، مدتی شد که کشت اعلام

خانه های مسکونی خود را تخلیه کنیم و ما را بداخل شرکت راه نیندهند و از طرفی آقای وزیر کشاورزی به ما هشدار داده است که بفرگردید سر کار خود و گرنه غایب محسوب میشوید.» اما حالا که ما به اینجا آمده ایم از پذیرفتن نمایندگان ما خودداری میکنند. کارکنان شرکت کشت و صنعت کازرون خواستار رسیدگی بوضع آنان هستند.

اخبار کارگری

کارگران فروشنده از حقوق خود بی بهره اند

کارگران فروشنده، که رقم بزرگی را میان زحمتکشان شهری تشکیل میدهند، از حقوق و مزایای شایسته خود برخوردار نیستند. این کارگران از بام تا شام و غالباً بیش از ۱۲ ساعت بکار مشغولند و از حق ۸ ساعت کار در روز، که در قانون کار نیز تصریح گردیده، و همچنین از مزایای ساعات کار اضافی محرومند. علاوه بر کارفرمایان این کارگران، روزهای جمعه نیز این افراد را بکار وامیدارند و آنان را اندوختی دیگرشان، یعنی از یک روز تعطیل در هفته و نیز از مزایای اضافه کاری روزهای تعطیل محروم ساخته اند. بر مشکلات این دسته از زحمتکشان، فقدان پوشش بیمه نیز، که کارفرمایان از آن طفره میروند، باید افزوده شود.

سندیکای کارگران ساختمانی عضو گروه خانه سازان تبریز امپریالیسم آمریکا را محکوم کرد

سندیکای کارگران ساختمانی عضو گروه خانه سازان تبریز، از بهر تشکیل، همراه با همه نیروهای مترقی به مبارزه بی انانی با امپریالیسم جهانی، بر سرکردگی آمریکا، ساواک و سایر پانگامهای ضد انقلاب برخاسته است. این سندیکاهنوزمان با فراندن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۵۸/۹/۱۱، با صدور اعلامیه ای از مواضع ضد امپریالیستی امام خمینی و عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تخریب جاسوسخانه آمریکا پشتیبانی کرده و درخواستهای کارگران ساختمانی را به شرح زیر اعلام نموده است:

- ۱- افساد لیست کلیه ساواکیها،
- ۲- قطع هرگونه رابطه با آمریکا،
- ۳- الغاء تمام پیمانهای نظامی و قراردادهای اقتصادی، فرهنگی و غیره.
- ۴- تحویل تمام جنایتکاران و خائنین از جمله شاه مخلوع و بختیار به شورای انقلاب اسلامی ایران،
- ۵- گشایش فوری حسابهای جمهوری اسلامی ایران در بانکهای وابسته به امپریالیسم آمریکا،
- ۶- الغاء تمام قراردادهای کنسرسیوم غارتگری نفت.

سندیکای کارگران ساختمانی در خاتمه مودکاً هرگونه سازش و مذاکره با امپریالیسم آمریکا را محکوم و نظریات رهبر انقلاب، امام خمینی را مورد تأیید قرار داده است.

حکومت نظامی: وقتی سر جاسوس آمریکا «قهرمان» معرفی میشود...!

□ گاواراس، کارگردانی که تخصص او ساختن فیلمهای ضد کمونیستی است، در حکومت نظامی، آثارش هم را مارکسیسم معرفی می کند و آنرا مغلوب سرمایه داری میسازد.

دیدن این فیلم را بیهوده دوستداران چریکها و مبارزه چریکی توصیه می کنیم



رویارویی دو جهان در مخفیگاه چریکها... این چهره مغرور سر جاسوس آمریکاست که در این فیلم «قهرمان» معرفی میشود.

گروه ضربت، بخش ویژه و اعتراف دنیال کرد. این فیلم آخر آنچنان ضد کمونیستی بود که حزب کمونیست فرانسه آنرا تحریم کرد.

فیرنگ بورژوازی

بمدار انقلاب ایران، بلافاصله فیلم «زده» گاواراس به نمایش درآمد، که در «مردم» به آن پرداختیم. اکنون شاهد نمایش فیلم دیگری از آثار این کارگردان هستیم. در این فیلم، گاواراس به زبردستی تمام، نقطه نظرهای ضد خلقی و ضد کمونیستی خود را مطرح کرده است. داستان فیلم حکومت نظامی، که از نوشته های فرانکو سولیناسی دستاورد گرفته، در او رو گوته میگردد. البته در فیلم، به روش همیشگی گاواراس، از این کشور نام برده نمیشود و زمان رویداد آنهم معلوم نیست. تا آنچه کارگردان میخواهد بگوید همه کشورها و همه زمانها را شامل شود. انتخاب او رو گوته هم دلیل روشنی دارد. این کشور در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین، که به علت وزن سنگین خرده بورژوازی، نبرد چریکی جدا از خود در آنجا، در چند دهه گذشته، گسترش وسیعی داشته، از همه چریک خیزتر است. در سالهای گذشته، یکی از نیرومندترین سازمان های چریکی (توپاماروا) در او رو گوته، یکی از خونین ترین و بی شرم ترین مبارزات جدا از خود را پشت سر گذاشته است.

نبرد اصلی جهانی، یعنی نبرد سوسیالیسم و سرمایه داری، هر چه بیشتر میروند، بیشتر سوسیالیسم پایا میبازد. از آنجا که مضمون عده عسرا گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، نبرد تنگناک این دو نظام، در همه عرصه ها، بویژه در عرصه ایدئولوژی، دراج است. در این صحنه نبرد، اگر سوسیالیسم با تکیه بر حقانیت وجودی خویش، که همانا رها نیدن انسان از همه بندهاست، میکوشد دانش انسانی را بر او ترساند و با او بران کردن بنای خرافه ها، پشدا و ریا و زهر فرهنگی سموم بورژوازی، انسانها را مجبور به دانش راستین به چپه نبرد یفرستد، سرمایه داری هر روز بیش از پیش به ترقی و تیرنگ متوسل می شود. سرمایه داری میکوشد از «وسيله های» علمی و هنری سود بجوید تا به «هدف» تخدیر توده ها، ایجاد انحراف در نظرها و نا امید کردن آنها برسد. سینما از آنجا که فراگیر ترین هنر است و توده های میلیونی را در پوشش خود دارد، یکی از کارآمدترین وسيله های سرمایه داری برای رسیدن به هدفهای یلشده است.

هوشیارترین نظریه پردازان و هنرمندان بورژوا که تا حدودی به قانونمندیهای رشد جوامع و بویژه به شیوه های مبارزه در کشورهای تحت ستم آشنائی دارند، در گامیست که به سلاح جدیدی دست یافته اند: حمله به خلقها از سبک مبارزات انحرافی موجود در جوامع تحت ستم. هنرمندان بورژوا، از آنجا که با تمام بر روند حوادث جهان دریافته اند که کدام نوع مبارزه صحیح است و در نتیجه به هدف می رسند و کدام نوع مبارزه نادرست است و در نتیجه به پیروزی منجر نمیشود، بسیار زندانه، درستگر «مبارزه انحرافی» پناه میگیرند، آنرا مطلق میکنند، و آنجا آنرا شکست میدهند. از آنجا که این «مبارزه انحرافی» در آثار این هنرمندان، «مبارزه خلق» و «مبارزه راستین» آن قلمداد میشود و حتی توده ها هم در آن نقش عمده بازی میکنند، شکست آن نه شکست ضعیف نادرست مبارزه، بلکه شکست انقلاب، نتیجه گیری میشود.

این هنرمندان، با طرح انتقاداتی از سرمایه داری جهانی، که ریزگر همگان آنرا کمپویش میدانند، چهره منتقدانه بخود میگیرند، خود را طرفدار «آزادی» جا میزنند، و درست در همین نقطه حیاتی است که «جهان آزاده» دست خود را روی میزند و بجای انقلاب برای خلق هانسخ «آزادی» میبجید. بهترین نمونه آنچه که بعنوان جمع بست مختصر یکی از شیوه های هنری بورژوازی، به آن اشاره کردیم، اکنون بر پرده چند سینمای پر فروش تهران به نمایش گذاشته شده است:

حکومت نظامی ساخته گوستا گاواراس

پیش از پرداختن به فیلم، بدنیست چند خطی به سابقه کاروااس اختصاص دهیم. گوستا گاواراس، کارگردان یونانی الاصل است که به فرانسه مهاجرت کرده است. کاروااس با فیلم «زده» شهرت یافت و به پاس زهر ضد کمونیستی مودیهانش در این فیلم و تبلیغ مبارزه پارلمانی، لقبی چون «کارگردان انقلابی» گرفت. در ایران هم اغلب منتقدان وطنی، که در حال و هوای فرهنگی کاروااس رشد یافته اند، اینچنانجا همین القاب را به او دادند و در ذهن کسانی که بدون دیدن فیلمهای کاروااس او را قهرمان مبارزمینداشتند، او را آنطور که دلشان میخواست جا کردند. کاروااس خط ضد کمونیستی خود را در فیلمهای

دیر شد ولی...!

در شماره ۱۱۵ «مردم» مطلبی تحت عنوان «فردا دیر است» به چاپ رسید که هتداری بود به مقامات مسئول در مورد امکان سوءاستفاده ضد انقلاب از تحریکات برخی عناصر ناسالم درستگام های دولتی. متاسفانه به این هشدار ترتیبائی داده نشد و در نتیجه قاجحه روی داد. کارمندان اداره شماره گذاری راهنمائی خواستار تصفیه این دایره از افراد ناسالم و از جمله فردی بنام سرهنگ ثانی بودند، زیرا او در رسد اخراج کلیه آنها و تعطیل این دایره بر آمده بود. کارمندان به بسته شدن اداره اعتراض می کنند و روز ۹ رز ۱۳۹۱ در جلوی اداره جمع میشوند. در حدود ساعت ۱۱ بنز سفید رنگی به شماره ۱۴۹۹۵ تهران سر، با سر تینی عده ای که خود را پاسدار می نامیدند و همگی مسلح بودند، به جلوی اداره آمده

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها)، پیاپیها و... منتشر در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنیده و توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

کالی آمریکائی نخریم!

فرد فرما مصرف کالاهای آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را آتج نهیم و کالی آمریکا را بر سرش بکوبیم. با قطع ریشه تسلط امپریالیسم بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا از همین ما، سرانجام دوران محرومیت هم پایان خواهد یافت. با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید. خود را برای یک دوران محرومیت آماده کنیم و چغامه انقلابی خویش را با روح قناعت، فداکاری و پایداری در برابر امپریالیسم جهانخوار آمریکا پیش ازینش ما نوس سازیم.

راو جواب میدهد: «برای جهانی که امثال شما در آن تابشند... توجه کنیده برداشت اجتماعی سر جاسوس آمریکا و برداشت شخصی وسطی نماینده چریکها، کارگردان درواغ از این گفتگو، که پایان مصاحبه بین دو جهان است، حق را به سرمایه داری میدهد. شخصیت تعیین کننده دیگر فیلم «خبرنگار» است. او چهره ایست که کارگردان تبلیغ میکند: زیرک، باهوش و خون سرد است. اوست که ریشه های سلطه آمریکا را به وقت تمام میکوبد، مبارزه چریک هارا شکست خورده میدانند، دولت رادیکاتور میدانند، از همه وزراء درباره دموکراسی می پرسد، هر وقت دوازه دموکراسی را بشنود لبخند میزند... در ابلاهی این مقامیم، که در قالب دلبره بیم بیخ خورده اند، فیلم به نتیجه گیری نهایت میرسد:

رو در روئی دو جهان

این دو جهان، سرمایه داری و سوسیالیسم، در پناهگاه توپاماروا با هم رود روی میشوند. ساتوره، نماینده جهان آزاده، که همان سرمایه داری باشد، در تمام صحنه ها، با لباس آراسته، بپوش سفید، چهره ای خون سرد و کلام مطمن و مغرور دیده میشود. نماینده چریکها، تاروقی نقاب به دیده دارد، عصبی و سرکش است، فرور و اطمینان ندارد و پیوسته شتابزده است. وقتی که نماینده اول دستگیر میشود، نماینده دوم دست و پا کم کرده مایوس است. اوج این جهت گیری وقتی است که پلیس به مخفیگاه نزدیک میشود. همه چریکها هراسان و دست و پا کم کرده اند. ساتوره با لبخند بر معنائی به آنها میگرد.

این دو جهان درواغ از طریق ضبط صوت با هم مصاحبه میکنند و ساتوره هم، نه در حرف و نه در عمل، خود را در دادگاه نمی بیند. در این مصاحبه روشن میشود:

۱- چریکها چه هستند (روی این امر خیلی تأکید میشود) ۲- طرفدار شوروی هستند (نماینده چریکها از شوروی قاطعانه دفاع میکند)، پس در نتیجه آنها مارکسیست طرفدار شوروی هستند. در ادامه مصاحبه، جنایات آمریکا در عوارض، نه در ریشه ها، از طرف نماینده چریکها افساه میشود: شکنجه ها، تربیت کارشناسان پلیس، دخالت در امور کشورهای مختلف جهان و... ساتوره آرام آرام ارتباط داشتن خود را با این جنایات میبذیرد، اما همه آنها را دلیل اختراع خود میدانند و باغور میگویند: «ما از جهان و دل این کارها را برای نجات جهان آزاد (یعنی سرمایه داری) از دست شماها (یعنی کمونیستها) انجا میدیم». شنائی که میخواهد ریشه نظم را از جهان برکنید و دموکراسی را از بین ببرید و آنگاه ساتوره از نماینده چریکها می پرسد: «شما برای چه مبارزه میکنید»

کردن و کشتن مرد مرد... به موازات آن دفاع از دموکراسی. وجه اینها برای اینست که کارگردان، نماینده گمان دو جهان و دو نظام و دو جهان بینی را در ردی هم قرار دهد و در نهایت یکی را بعنوان برحق برگزیند. این گزینش، بیش از آنکه با کلمات بیان شود، بزبان سینما، یعنی شخصیت سازی و تصاویر بیان میشود.

ایجاد دلبره برای روانی

پرداخت فیلم، پلیسی و شیدا متان از فیلمهای هیچکاک است. سکانس انتحاریه با توقف دوربین روی اتومبیلی آغاز میشود که سرانجام جزاوه ساتوره را در آن میبباند. این پرداخت پلیسی در سراسر فیلم حفظ میشود و کارگردان در ناه لحظات پر کشش و دلبره آیز فیلم، که همه احساس تماشاگر متوجه فیلم است، با استفاده از کارآمدترین شیوه های روانی، نقطه نظرهای واقعی خود را به او تزریق میکند. در سراسر فیلم، بویژه در صحنه های ربودن ساتوره و سفیر برزیل و انتقال ساتوره زخمی به بیمارستان، کارگردان حمایت بیدریغ مردم را از چریکها نشان میدهد، تا این مبارزه را توده های قلمداد کند. هنگام بازجویی یکی از چریکها از ساتوره، چریکها اطلاعات دست اول را در میبکنند، که حتی ساتوره هم نمیداند. هنگام رو کردن هر یک از اطلاعات، دوربین رجعت به گذشته میکند و نشان میدهد که منبع خبر یکی از افراد توپامارواست، که همه در همه جا، از پای پلکان هواپیما تا جلسات بسیار محرمانه کلاسهای آموزش شکنجه سیا، حضور دارند و این بازهم برای تأیید بر توده ای بودن چنین است.

البته کارگردان، هنگام دستگیری توپاماروا، دم خرّوس این حمایت قلابی را لو میدهد و در حالیکه پلیس چریکها را پیش روی مردم دستگیر میکند، مردم ایستاده اند و دیابلی تفاوتی کسی که انگشت در داغ کرده، به صحنه دستگیری و زود خورد چریکها با پلیس نگاه میکنند. علاوه بر تلاش برای توده های نشان دادن مبارزه چریکها، گاواراس به دو نکته دیگر بطور پیوسته تأکید دارد: دیکتاتوری خشن نظامی، در قالب اعلام حکومت نظامی بعد از دستگیری ساتوره و حضور نظامیان، متوقف

فعالیت دستگاههای جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و پایگاههای آنها در ایران

با دسیسه‌ها و توطئه‌ها و با یاری آیدای خود به خاک و خون میکشند و سعی میکنند منافع از دست رفته خود را دوباره باز پس گیرند. و آب رفته را بجوی بازگردانند. انقلاب ایران هم از این قاعده مستثنی نیست.

مشاور امنیت ثابتی: مأموران سیادر خیابانهای تهران انقلابیون را تعقیب میکنند

حسین ثنا در ادامه سخنانش میگوید: در موضوع کردستان، گنبد و خوزستان نیز مأموران ساواک دخالت دارند، ولی البته تنها طرح میدهند و هدایت میکنند و کمتر ممکن است اسلحه بدست داشته باشند.

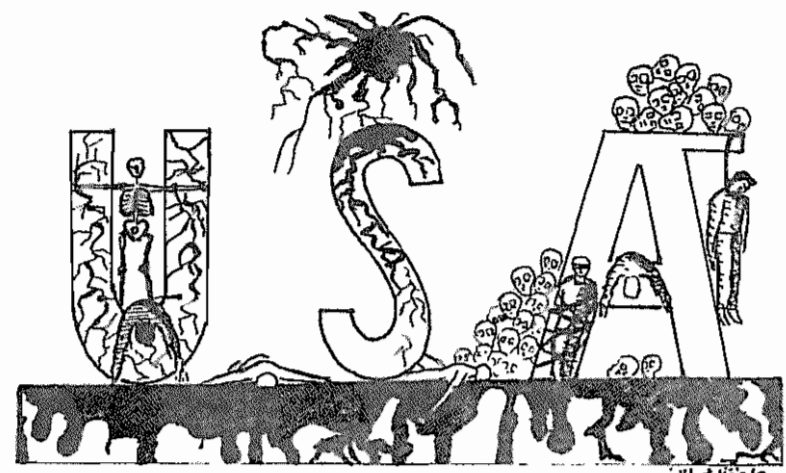
زیرای از افراد ساواک در آمریکا و اسرائیل تعلیم دیدند و این تعلیمات ظاهراً تعلیم شکنجه نبود. ولی آنها تعلیماتی در مورد کسب خیر و اذکار کردن متهم به اعتراف میدیدند و حتی کاربرد انواع شکنجه نیز به افراد ساواک آموزش داده میشد.

هر روز، با کشف مدارک تازه، چگونگی فعالیت‌های امپریالیسم امریکا در ایران و دیگر کشورها بیشتر افشا میشود و چهره ننگین آن هرچه بیشتر آشکار میگردد. این مدارک نشان میدهد که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها متحداً بر علیه جنبش‌ها و انقلاب‌های جهان در حال توطئه چینی هستند و در این راه از هیچگونه عملی ابا ندارند، حتی اگر این عملشان بیبای از بین رفتن میلیون‌ها نفر و یا حتی ملتی تمام شود.

امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها با هم متحدند و این اتحاد دوزخی «سرمایه» در جهان، برای ادامه سلطه خونین خود دستگاه‌های عریض و طویل جاسوسی دارد که با صرف هزینه‌های گزاف در کشورهای دیگر همه کار میکنند. از تورنتا کودتا، از پرورش مأموران پلیس تا تفرقه افکنی و...

حسن ثنا در پاسخ خبرنگار انگلیسی بینی بر اینکه، اگر دولتهای انگلیس و آلمان در مورد ادعاهای وی عکس‌العمل نشان دهند و او را یک دروغگو قلمداد کنند گفت: «اطلاعات من کاملاً صحیح است و بعنوان یک مشاور در دست است تمام جریانات آگاه بوم و به آنها دسترسی داشتم».

«ساواک با سرویس‌های اطلاعاتی آلمان، انگلستان، ترکیه، فرانسه، عراق، مسروباکستان و روسستان مخوف‌سایا و ماساد همکاری داشت، ولی همکاری بین ساواک و سرویس اطلاعاتی شوروی نبود».



در مطبوعات کشور

اخطار سپاه پاسداران خوزستان به زمین خواران و فئودالها

خواهان اجرای احکام قرآن کریم میباشد. دیگر نباید هیچ‌وجه به حیات نکتت‌ها خود ادامه دهند و بر دادگاه‌های انقلاب اسلام است که با معادله اموال و اعداء این زوالو های خونخوار انتقام تمامی مستضعفین خاک را از آنان بگیرند. ما پاسداران انقلاب اسلامی بنوبه خود به تمامی فئودالان و زمین‌خواران ایران و بخصوص خوزستان دمورد واگذاری زمینهای تصاحب شده بکنار و زان مستضعفین شدیدا اخطار می‌کنیم و به همه آنان اعلام میکنیم که برای مالکیت‌های ارضی شما که در زمان رژیم فاسد گذشته نصیبتان شده کوچکترین ارزشی قائل نیستیم و از نظر ما تنها کسی صاحب زمین هستند که خودشان بر روی آن کار میکنند. همچنین به برادران کشاورز خود در خوزستان اعلام میکنیم که میتوان از زمینهای باغی را که در تصرف فئودالان میباشد، تصاحب کرده، با استفاده و تقسیم صحیح این زمینها بین خود بکشت و زرع بسپردارند و ضمناً اعلام میداریم در صورتیکه فئودالان و ملاکان بزرگ درس راه شما برادران فلاح‌مانع شدند و خواستند جلوی کشت و زرع شما را به هر طریق بگیرند، میتوانیم با قدرت با آنان مقابله کنیم و بدانید برادران پاسدار شما در همه حال پشت سر شما هستند. تا به امید خدا بتوانیم ایادی این مفتخوران و عوامل داخلی امپریالیسم را کلاً قطع کرده امنیت و آسایش رادر سایه عدالت اجتماعی در جامعه برقرار کنیم.

نظام فرعونى شاهنشاهی نیز پس از سقوطش ارمنان بسیاری از فقر و بدبختی برای ملت زجر دید و ما و بخصوص برای کارگران و کشاورزان مملکت ما باقی گذارد در این میان دهقانان و کشاورزان ما همیشه جزء مستضعف‌ترین اقشار مملکت بوده و متأسفانه هنوز نیز هستند. کشاورزانی که در نظام طاغوتی سالها از طریق بیگاری کردن در زمینهای عدهای فئودال زاولو صفت خونشان میکیده شده. چرا باید اکنون نیز از حاکمیت طاغوت در کشورها نساود شده. همچنان به استضعاف و استعمار

شورای انقلاب باید عمل پاکسازی را در تمام سطوح و بطور جدی انجام دهد

در یک نگاه علت اصلی این ناآرامیها و درگیریها که گاه میتوان به فاجعه بیانجامد نوعی آنازیمس محلی و منطقه‌ای که سبب گذر شدن همان حرکات لاک‌پشتی ادارات نیز میگردد، عدم توجه مسئولان امر و دست اندرکاران اداره مملکت در ایجاد یک طرح جامع، پیش‌بینی شده و همه‌جانبه و بنیادی جهت تصفیه ادارات و موسسات دولتی و نیز دادن شتاب انقلابی باین تشکیلات است که از بوجه مملکت تقدیه میکنند و لاجرم موظفند در خدمت انقلاب باشند. بدون شك در صورت انجام چنین تصفیه و ایجاد سیستم ارزیابی کار و قاطعی در سازمانهای دولتی، اکثر قریب با اتفاق کارمندان دولت خود نیز همگام و سهیم با اهداف انقلاب اسلامی هستند باید توجه داشت مسئله تصفیه ادارات و ایجاد روحیه انقلابی از جمله مشکلات دولت گذشت بود که اغلب مورد خرد گیری قرار میگرفت. با آنکه رهبری انقلاب کمر او حتی بعنوان یکی از وظایف خطیر شورای انقلاب پس از قبول مسئولیت اداره کشور بوسیله این شورا تاکید فرموده‌اند، معذالک هنوز اقدام سازمان یافته و همه‌جانبه‌ای در این راه صورت نگرفته است. شاید گفته شود که شورای انقلاب این روزها درگیریهایی زیادی دارد و فرصت رسیدن به چنین مسائلی را ندارد. اما باید گفت همه اعضای شورای انقلاب که بیک سبب و همتان عهده‌دار مسئولیتهای سنگین نشده‌اند و این فرصت برای آن اعضایی که وظایف سبکتری دارند، منتظم است که با استفاده از ابتکار جوانان آگاه و افراد متخصص با تشکیل یک تیم طرح و تحقیق، بهترین طرح ارائه شده تصفیه و معرک اداری را انتخاب نموده و در سطح مملکت مورد اجرا بگذارند و برای همیشه به تشنج و درگیریهای ناشی از آن، که قسمت اعظمی از نیروهای مملکتی را که باید درجهت مبارزه با امپریالیست و نوسازی کشور معروف گردد، بحدود اختصاص داده است. پایان دهند.

(جمهوری اسلامی - ۲۲ آذر)

(روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۱ آذر)



بدون شرح

یک بام و دو هوا در ارارک

فناسر مشکوک برای چندمین بار در ارارک به اعضا و هواداران حزب توده ایران حمله کردند و آنها را مجروح نمودند. یکی از رفقای ما بر اثر حمله این افراد بشدت مجروح و به بیمارستان منتقل شد و ضارب دستگیر گردید. این حملات وقتی انجام گرفت که اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ارارک برای برگزاری مراسم ۱۶ آذر در شهر به نصب تراکت‌ها مشغول بودند. در طی این حملات، عناصر مشکوک به ضرب و جرح رفقای ما پرداختند و یکی از رفقای ما را در شهرستان صنعتی بشدت مجروح نمودند. رفیق مزبور بعلت جراحات وارده به بیمارستان انتقال یافت و تحت هالجه قرار گرفت. جراحات وارده منجر به زدن پینه و دادن ۷ روز استراحت توسط پزشک قانونی گردید.

به مسئله خاتمه داده شد. این حملات منحصر به این واقعیه نبوده است، برخی اعضاء و هواداران ما را به هنگام نصب تراکت، به کسبه‌های امام کلاتری و دادستانی توسط این عناصر جلب کردند.

گزارش دیگری که خبرنگار «مردم» از ارارک فرستاد حاکی است که افراد مسلح از طرف کمیته امام روز سه‌شنبه سیزدهم آذر فطرت جدید را منظره میکنند، مگر خرد و نام میشود.

باین ترتیب «گواراس» مبارزه جدالز توده را مبارزه توده‌آتم «مبارزه مارکسیستی» معرفی میکند و آنگاه این «مارکسیسم» از سر جاسوس آمریکا در توری و عمل شکست میخورد!

این فیلم، که همه جریکهای ما باید آنرا ببینند، نشان دهنده هشیاری بورژوازی از استفاده از مبارزه انحرافی روشنفکران جدا از توده علیه خلق‌هاست.

حکومت نظامی:

بقیه از صفحه ۶ ساتوره است، که او را در پرچم آمریکا پیچیده‌اند و زن و فرزندانش گریه‌هم میکنند. باغور و پاسرهای بالا حرکت میکنند. در صحنه آخر، جانتین ساتوره، در صحنه‌ای نظیر ورود ساتوره با هوایما وارد میشود. «پست نظری» جای پست فطرت دیگری را میگیرد و فیلم روی چشمان مات ترسیده و بی‌امید عوامل جریک‌ها، که درود پست

آیاراست است که:

سرهنگ وجدانی، رئیس حفاظت توانیر (دیسپاچینگ) میدان ونک (در رژیم سابق، که پس از انقلاب دستگیر شد و سپس آزاد گردید، اکنون سرپرست انبار برنج و زارت بازرگانی (انتهای خیابان خاوران) است!

آیاراست است:

... که خانم پدیدی باسارگادی، مدیر مدرسه زاندارک، یکی از سرپرستان دبیر اسطوخوتی و بزرگترین افشارش معلمی مرت دیا بوده است! ... که در زمان شاه مخلوع، برای نمایندگی مجلس شورای رستاشیزی، شاگردان مدرسه زاندارک و خانواده‌های آنان را زیر فشار میکشاده! ... که مانع فعالیت سیاسی دانش‌آموزان میشود و بحدودغ نظاش به مذهبی بودن میکند! ... که از دختر و چند نفر از دوستان دوران تحصیل خویش، با ندی برای مقابله با دانش‌آموزان مبارز دست کرده است! ... که هم‌اکنون این خانم مدیر فقط با خانواده آن عده ازشاگردان «حسن» است که دارای پدر و مادری با موقوت و تمسایلات طاغوتی باشند!



صدها هزار تن از مردم مشهد شعار میدادند: تجزیه رهبری، توطئه آمریکاست

● مردم مشهد از شورای انقلاب خواستار برخورد قاطعانه با فئودالیسم و محو آن شدند



((او)) کیست؟

سید مهدی میراشرفی، عامل سرسریده امپریالیسم و نوکر خانزاد شاه مخلوع، در روز چهارشنبه ۲۱ آذرماه بحکم دادگاه انقلاب اسلامی اسفهان تیرباران شد.

در آخرین جلسه این محاکمه، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی اسفهان ضمن شرح جنایات متعدد میراشرفی رسماً اعلام کرد: «من حدود ۲۰ روز است که به این دادسرا آمدم و آدم تا دوسه هفته باشم و بعد برگردم. وقتی آمدم، گفتم پرونده‌ها را بیاورید که آورده‌اند. دیدم پرونده آقای میراشرفی است. گفتم آقا این شخص را چرا آزاد کردید؟ چرا او را دادگاهی نکردید که دادگاه روی این شخص تصمیم بگیرد؟ گفتم آقا یکی از افرادی که در رأس انقلابی‌ترین (دلم) می‌خواهد این مطالب را روزنامه‌ها بنویسند تا مردم بدانند، زیرا خدا شاهد است همه مسائل را امام نپذیراند! اگر انگلیس انقلابی این مملکت است، تلفن کرده بدادسرا و گفته: اگر آقای میراشرفی را آزاد نکنید، به اندازه روزگاهی ایشان در زندان بوده است. من دادستان را زندانی خواهم کرده. (نقل از کیهان) مورخ پنجشنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۵۸»

مرد ایران با ناباوری با این واقعیت روبرو هستند که چگونه «یکی از افرادی که در رأس انقلابی‌ترین ارگانی‌های انقلابی این مملکت» قرار دارد، دستور آزادی میراشرفی را به آن شکل ضدانقلابی داده است. در جای دیگر ایشان انگلیس را می‌دانند: «مگر خودامام در قم نفرمودند اگر منم توصیه کرد، توصیه مرا پاره کنید، بریزید دور. آنوقت چطور ممکن است یک افرادی که من اسفهان را نفیبرم بیایند. ولی اینده مانند نریه‌ها و مراغای‌ها را مردم خواهند شناخت».

در اینجا باید پرسید: آیا وقت آن نرسیده است که این افراد را به مردم معرفی کنید؟ آیا وجود این طغوت‌های کوچک و شیطانی-های کوچک (نقل از کیهان همان روز) در رأس انقلابی‌ترین ارگان‌های این مملکت، خطر عظیمی برای انقلاب شکوهمند مردم ایران بحساب نمی‌آید؟ آیا جا ندارد این افرادی که زیر ماسک مذهبی اسلام، مشغول توطئه‌اند، رسوا کنید؟ مردم بی‌سربانه منتظر جواب‌اند که این مقام عالی‌رتبه مملکتی، که با نادیده گرفتن خون هزاران شهید گلگون‌کن، حکم آزادی یکی از عمال جنایتکار رژیم شاه را می‌دهد کیست؟ راستی او کیست؟

مردم مشهد از شورای انقلاب خواستار برخورد قاطعانه با فئودالیسم و محو آن شدند

صبح جمعه ۲۳ آذر، طی یک راهپیمایی باشکوه صدها هزار تن از مردم مشهد، به مناسبت سالروز ضیافت دژخیمان پهلوی در بیمارستان امام رضا (شاه‌نشاهی سابق) برگزار شد. مردم مشهد خاطر شهیدی آنروز را گرامی داشتند و پیمان خود را در مبارزه با امپریالیسم آمریکا، تجدید نمودند.

سال گذشته، در ۲۳ آذرماه، جلادان شاه، به بیمارستان امام رضا هجوم بردند و کارگری بنام محمد مفروق و ۴ کودک را با کلوله سلاح‌های آمریکایی خود به شهادت رساندند. راهپیمایی باشکوه بی‌روز، در ساعت ۸ صبح، از لکه حضرت آغاز گردید و راه‌پیمایان در مسیر خود که به بیمارستان امام رضا ختم می‌شد، با فریادهای و شعارهای آتشین خود امپریالیسم جنایتکار آمریکا را محکوم کردند. آنها شعار میدادند:

آمریکاتو خالیست ویتنام گواهیست
فلسطین بیروزاست آمریکا نابود است
تحویل شاه خائن، خواست ملت ماست
نبود با آمریکا، کلید وحدت ماست

پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد محکوم ساختن برتری طلبی در روابط بین‌المللی از جانب سازمان ملل تصویب شد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه مهم، برتری‌طلبی در روابط بین‌المللی را محکوم کرد و اعلام کرد که صهیونیسم و نژادپرستی از انواع برتری‌طلبی است. در قطعنامه مجمع عمومی از جمله امپریالیسم، استعمار، آپارتاید، نژادپرستی، صهیونیسم، و مداخله و ایجاد مناطق نفوذ محکوم شده است.

قطعنامه مجمع عمومی، برتری‌طلبی را در تمامی تجلیات آن محکوم کرده و اعلام می‌کند که هیچ کشوری نباید سیاست برتری‌طلبی در پیش گیرد.

در قطعنامه مجمع عمومی خواسته شده است که همه نیروهای اشغالی از سرزمین‌های دیگران به کشورهای خود بازگردند و یک نظام اقتصادی جدید جهانی برقرار شود.

پیشنهاد مربوط به مخالفت با برتری‌طلبی بوسیله آندره گریکو وزیر خارجه شوروی پیشنهاد شد و در دستور مذاکرات مجمع عمومی قرار گرفت.

اولنگ ترویانوسکی، نماینده شوروی در سازمان ملل، از اینکه پیشنهاد شوروی با استقبال اکثریت عظیم کشورهای سازمان ملل قرار گرفته است، ابراز خوشوقتی کرد.

خبرگزاری تاس در تفسیری پیرامون تصمیم خطرناک پیمان ناتو در مورد استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید آمریکایی در اروپای غربی نوشت که این تصمیم شالوده‌مذکرات بر سر موشک‌های پرسر متوسط را از میان برده است. تاس تأیید کرد که نمیتوان بر اساس موضع قدرت ناتو گفتگو کرد و هیچ‌کس در این مورد نباید فریب بخورد.

خبرگزاری تاس یادآور شد که برنامه طرح‌شده از سوی کاتر چیزی جز برنامه مسابقه تسلیحاتی نیست، که بر اساس استراتژی ترمز، استراتژی تجاوز علیه اتحاد شوروی و علیه کشورهای خاورمیانه، آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین استوار است.

تاس اعلام کرد که مذاکره بر اساس موضع قدرت، که ناتو پیشنهاد میکند، نمیتواند مذاکره بر اساس امنیت برابر طرح‌ها باشند.

تدارک تشکیل «سپاه واکنش سریع» وارد مرحله عمل میشود

هارولد وایزبراد آمریکای اعلام کرد که بزودی یک گروه ضربتی برای استفاده سریع از تفنگداران دریایی و دیگر نیروهای این کشور در منطقه خاورمیانه و دیگر نقاط «دع» جهان تأسیس میشود. این اقدام به معنی نخستین گام سازمانی در جهت ایجاد نیروی واکنش سریع است. که بگفته مقام‌های آمریکایی، باید در باصلاحات پس از این «جهان سوم» بویزد. در مناطق نفت‌خیز خاورمیانه وارد عمل میشود. قرار است افسران نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی و تفنگداران دریایی در یک پایگاه صحرایی مک‌دیل در فلوریدا طرح سپاه واکنش سریع را تنظیم کنند. کاتر برای تأسیس این سپاه ده‌میلیار دلار بودجه درخواست کرده است. آمریکا برای سال آینده نیز بودجه نظامی خود را افزایش داده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را محکوم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را به خاطر ایجاد مانع در طرح مربوط به استقلال نامیبیا به شدت محکوم کرد و از همه کشورهای جهان خواست از مبارزه بر حق سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) حمایت کنند. این قطعنامه با ۱۳۵ رأی موافق تصویب رسید. کشورهای سوسیالیستی و کشورهای «جهان سوم» به این قطعنامه رأی موافق دادند و اما کشورهای غربی-حامیان رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی-به قطعنامه رأی مخالف دادند. نماینده ماداگاسکار اعلام کرد که قدرت‌های امپریالیستی همچنان منابع نامیبیا را تاراج میکنند.

سربازان آفریقای جنوبی علیه جبهه میهن‌پرستان رودزیا می‌جنگند

یک ژنرال انگلیسی برای نخستین بار قاش کرد که سربازان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در جنگ هفت‌ساله رژیم سرسپرد رودزیا با جریک‌های جبهه میهن‌پرستان شرکت دارند. در روزهای اخیر حدود پنج‌هزار کامیون نظامی آفریقای جنوبی وارد سالیسبوری شده‌اند.

از سوی دیگری سنگسار جبهه میهن‌پرستان گفت که دولت انگلیس قصد دارد با یک توطئه و بی‌سازمانی طرح خود به جبهه میهن‌پرستان، رهبران این جبهه را قتل عام کند. مقام‌های رژیم سالیسبوری هم اعلام کرده‌اند تا زمانی که جبهه میهن‌پرستان آتش‌بس پیشنهادی را در رودزیا نپذیرد، نمی‌تواند دست به فعالیت سیاسی بزند.

مسلح شدن رژیم سادات برای اجرای نقش ژاندارمی در منطقه است

مسطفی خلیل نخست‌وزیر رژیم سرسپرد مصر، آشکارا اعتراف کرد از اینکه اسرائیل از تحویل سلاح‌های آمریکایی به مصر متکران است، تمجب میکند. زیرا این سلاح‌ها هرگز علیه اسرائیل بکار برده نخواهند شد.

مسطفی خلیل در مساجه با یک روزنامه اسرائیلی تأکید کرد که مصر به این سلاح‌ها برای باصطلاح «حفظ امنیت منطقه» نیاز دارد. بدین ترتیب نخست‌وزیر مصر به نقشی که امپریالیسم آمریکا به این کشور بعنوان ژاندارم منطقه سپرده است، اعتراف میکند. نخست‌وزیر مصر گفت که ما بارها گفته‌ایم تکرانی اسرائیل بی‌جهت است، زیرا خصومت دو کشور پایان یافته است.

سازدز، معاون وزیر خارجه آمریکا، نیز به سفیر اسرائیل در واشنگتن اطمینان داده است که امنیت اسرائیل خواهد بود. سیاست آمریکا در خاورمیانه از اهمیت والا برخوردار خواهد بود. در این میان در واشنگتن گفته شده که نمایندگان نزدیک به اسرائیل در کنگره آمریکا (منظور صهیونیست‌های آمریکایی است) به سفیر اسرائیل توصیه کرده‌اند که تکران فروش سلاح‌های آمریکایی به مصر و عربستان نباشد، زیرا از این سلاح‌ها برای «مقاومت دیگری، استفاده خواهند شد».

فلسطین اشغالی از زیر بوغ کاتر آزاد باید گردد

مردم مشهد همچنین با شور و هیجان پیمان خود را با امام خمینی، رهبر انقلاب تجدید کردند و توطئه‌های ضد انقلاب را که میکوشد رهبری را مورد حمله قرار دهد و امپریالیسم آمریکا را از زیر شره امواج غرنده مردم انقلابی خارج سازد، قاطعانه محکوم نمودند. آنها شعار میدادند:

تجزیه رهبری توطئه آمریکاست
در پایان راه پیمایی، در حیط بیمارستان، آقایان شیپانی، فرهودی، آداسه و یک خانم پرستار از بخش اطفال بیمارستان و نیز آقای سیدعلی حاتم‌ای سخترانی کردند و سپس قطعنامه راه‌پیمایی قرائت شد.

دکتر فرهودی در سخنرانی خود تأکید کرد که باید همگام با مبارزه با امپریالیسم در سطح جهانی، عدالت و قسط اسلامی را در سطح جامعه پیاده نمود و بنفخ مستضعفان و بر علیه مستکبران اقدام کرد.

در قطعنامه پایانی، مردم مشهد هرگونه حرکتی را که در جهت تضعیف رهبری باشد، توطئه امپریالیسم آمریکا خواندند و محکوم کردند. در قطعنامه همچنین از شورای انقلاب خواسته شده بود، که در جهت خودکفالی کشاورزی کشور حرکت کند و فئودالیسم را بسود دهقانان ریشه کن نماید.

تکیه گاه‌های را یافتند که با آنها هم‌فکر و هم‌ساز هستند تا از آن طریق بتوانند در مسائل کشاورزی و دامپروری به سوء استفاده بپردازند و در جهت مخالف با منافع انقلاب و زحمتکشان روستاها عمل کنند.

آنها بود. اما پس از تمویض دولت بازرگان و اعلام تداوم بی‌رومی شورای انقلاب، حال که می‌بینند در اجرای رهنمودهای امام و خواست‌های دهقانان، تحقق قستی از آنچه که ضروری است، توسط معاون و زارت کشاورزی عنوان شده است، به جنب و جوش افتاده‌اند، سر بلند کرده‌اند و به اعتراض و تهدید پرداخته‌اند.

هیئت مدیره «شورای کشاورزی تهران»، به نمایندگی از طرف سرمایه‌داران ارضی و مالکان بزرگ مذبوحانه درصدد برآمده است جلوی شروع اقدامات مترقی و انقلابی را بگیرد و نگاهداری زمین به دهقانان و حق بقدر برسد. این هیئت چیزی نیست جز نهادی بوج، مدافع نظامی در حال فروپاشی، بی‌انگیز منافع اربابان و بزرگ غاصبان، چیزی نیست جز ترمز از کلافه‌ها بر سر راه رشد سالم و مستقل کشاورزی ایران و عنصری ارتجاعی و ضد انقلابی، که دیگر فاجعه‌اش در کشور ما با بانک پر خروش توده مردم انقلابی و فرساید حق طلبانه دهقانان نهیست خوانده شده است.

باهمه اینها، برای آنکه دیر نشود و تازه بعد از مدت‌ها زحمات و خرابکاری متوجه شویم که از همین آغاز لازم بود جلوی آن گرفته شود، طرح این سؤال بجاست:

در حالی که بر طبق قانون، شورای کشاورزی استان تهران باید بر اساس ضوابطی توسط دهقانان و با مشارکت آنان انتخاب و اداره شود، این هیئت چگونه ایجاد شده، بنا چه کسی عمل میکند، از طرف چه کسی نامه امضا میکند و به چه حقی خود را هیئت مدیره شورای کشاورزی تهران نام نهاده است؟

از مقامات مسئول و وزارت کشاورزی می‌خواهیم باین مسئله رسیدگی کنند، وضع این افراد را بررسی نمایند و شرایط را برای ایجاد شورای واقعی کشاورزی استان تهران فراهم سازند. ادامه راه درست بسود مستضعفان روستا-دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین- در هم کوبیدن لانه‌های ضد انقلابی را ایجاب میکند.

جلو اقدامات ضد انقلابی و ضد دهقانی را بگیریم

هیئت مدیره شورای کشاورزی تهران چکاره است؟

در عمل معلوم میشود که یکی از لانه‌های ضد انقلاب، که اربابان و مداخلان مالکان بزرگ زمین در آن کمین کرده‌اند، «هیئت مدیره شورای کشاورزی تهران» نام دارد، که در آن نه از نظام شورا خبری هست و نه از منافع اساسی کشاورزی کشور ما آثری. در شماره ۱۱۶ «مردم» (۲۲ آذرماه) گفتیم که چگونه این گروه، که برای ادامه بساط ارباب‌پرستی و مالکیت فئودالی آمیخته‌اند، متعزز تصمیمات شورای انقلاب و مزاحم امام خمینی رهبر انقلاب شده، با جملاتی ظاهر فریب‌دهنده و واقع‌پندیده، در هر جمع و هر ادراکی و آشوب می‌خواهند مانع اجرای اعلامیه شماره ۲ شورای انقلاب درباره نابودی فئودالیسم و دادن زمینها به دهقانان شوند.

البته از این مستکبران غاصب و نظایر آنها توسل به خونریزی و ایجاد تشنج و راه‌انداختن آشوب کلامی بر می‌آید. هم‌اکنون عده‌ای از خوانین و اربابان که هر روز با نبرد دلاوران و هشیاری آگاهانه دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین روبرو هستند و رهنمودهای امام دایم به توجه به مستضعفین روستاها و تدبیر اصولی شورای انقلاب را نیز شنیده‌اند، منافع غارتگرانه خود را در معرض خطر می‌بینند، و در نتیجه دست به چنین اقداماتی زده‌اند. ولی این اقدامات، بی‌گناهی مذبوحانه است و محکوم به شکست. انقلاب ما در پیشرفت و تعمیق خود، این زباله‌ها را از سر راه خود خواهد روفت.

در عین حال اطمینان به پیروزی مردم و انقلاب نباید ذره‌ای از هشیاری مسا و توجه به خرابکاری‌های این لانه‌های ضد انقلاب بگذارد و خطرات اقدامات آنها را از نظر ما بپوشاند. همین جهت لازمست لانه‌هایی چون هیئت مدیره شورای کشاورزی تهران، را بخوبی شناخت و دشمن انقلاب را، در لباسی که باشد و زیر هر عبارت و لفظی که اظهار وجود نماید، رسوا کرد. تنها از این راه میتوان از منافع حقه

مروم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹
چاپ، کلریان

MARDOM
No. 118
16 December 1979

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 1.30 fr
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.